

www.roshdmag.ir

ISSN:1735-4846

دوره هجدهم | شماره ۱ | پاییز ۱۳۹۹
۴۸ صفحه | ۷۵۰۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵

رشد آموزش

۵۸



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

گلگشت هنری در اصفهان

تجسم سخت کوشی در هنر

سیاه مشق های شیدایی

معرفی چند هنرمند صاحب سبک در عکاسی

انتر: علی اکبر میخک
بدون عنوان
۷۰۵۰ س.م





ISSN: 1735-4846



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ایران: تهران، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۴)
نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام‌نگار: honar@roshdmag.ir
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵

سرمقاله

مدیر مسئول: محمد ابراهیم محمدی

سر دبیر: کاوه تیموری

هیئت تحریریه:

مرضیه پناهیان پور

مهدی الماسی

حمید قاسم‌زادگان

محمود حاجی آقایی

مهسا قباپی

مدیر داخلی: زهره مقامی فروغ

ویراستار: جعفر ربانی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: حسین نوروزی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۴)

نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌نگار: honar@roshdmag.ir

صندوق پستی امور مشترکین:

۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین:

۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵

به وقت زنگ هنر / سردبیر / ۲

گلگشت هنری در اصفهان / هیئت تحریریه رشد آموزش هنر / ۴

معرفی نمایشگاه‌های آنلاین از آثار هنری دانش آموزان / رقیه السادات وزیری / ۱۰

تجسم سخت کوشی در هنر! / سردبیر / ۱۴

مرقع دلگشا / کیانا تیموری / ۱۶

چگونه نمایش خلاق را به خانه‌ها بردیم؟ / لیلا بیگوند، کیومرث سلطانی / ۱۸

سیدعلی معراجی / زهره مقامی فروغ / ۲۲

غلامرضا مفیدی / زهره مقامی فروغ / ۲۴

معرفی چند هنرمند صاحب سبک در عکاسی / به بیانی دیگر

اعظم لاریجانی / ۲۵

آموزش خلاقیت در هنر تصویرسازی / هما رضازاده / ۲۸

سیاه‌مشق‌های شنیدایی / کاوه تیموری / ۳۴

تدریس هنرمندانه زیر سایه درخت داز / محمدحسین دیزجی / ۴۰

جان‌مایه نمایش خلاق برای دبیران هنر / فرزانه جعفری / ۴۲

میزگرد

آموزش

گفت و گو

معرفی کتاب

آموزش

معرفی دبیر هنر

معرفی دبیر هنر

آموزش

آموزش

مقاله

گزارش

پژوهش

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

مجله رشد آموزش هنر، آثار هنرمندان، استادان و صاحب‌نظران، به‌ویژه معلمان و مدرسان هنر و نیز، هنرجویان و دانشجویان رشته‌های هنری را که در نشریات عمومی منتشر نشده باشد، برای چاپ می‌پذیرد. ● مطالب ارسالی با اهداف کلان آموزش هنر در نظام آموزشی کشور هم‌خوان باشد و به حل مشکلات ریز و درشت آموزش هنر در مدارس و مراکز رسمی آموزش کمک کند. ● مطالب با خطی خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود و حاشیه صفحه و فاصله سطرها برای اعمال ویرایش مناسب باشد. ● حجم مقالات از ۱۵ صفحه دست‌نویس و ده صفحه حروف‌چینی شده بیشتر نباشد. ● اگر مطلبی، عکس یا تصویر و جدول و نمودار دارد، جای قرار گرفتن آن‌ها در حاشیه صفحات مشخص شود و تمام موارد به‌صورت لوح فشرده (با فرمت tif یا jpeg) و dpi حداقل سیصد) همراه متن فرستاده شود. ● کپی صفحات اصلی متن ترجمه ضمیمه شود تا در صورت لزوم، بررسی صحت ترجمه و همخوانی آن با متن اصلی ممکن باشد. ● اهداف مقاله و چکیده آن همراه پنج کلیدواژه در صفحه‌ای مجزا ضمیمه شود. ● معرفی کوتاه پدیدآورنده، همراه نشانی و مخصوصاً شماره تلفن او در برگه‌ای جدا پیوست باشد. ● پی‌نوشت‌ها و منابع کامل و شامل نام نویسنده، مترجم، نام کتاب، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. ● مطالب چاپ‌شده، لزوماً بیانگر دیدگاه گردانندگان مجله نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی، با پدیدآورنده است. دفتر مجله از نگهداری یا بازگرداندن مطالب رد شده، جز در موارد خاص، معذور است. ● ترتیب چاپ مطالب به معنای درجه‌بندی و ارزش‌گذاری نیست، بلکه بر حسب ملاحظات فنی و رعایت تناسب و تنوع است.



به وقت رنگ

دبیر هنر را می‌گویم. سال پایان خدمتش بود. باز در کلاس طراحی می‌کرد و بی‌امان می‌نوشت. می‌دانست طراحی نوشتن او در کلاس یعنی علاقه‌مند شدن دانش‌آموزان. بر این باور بود که هر دبیر هنری که در کنار دانش‌آموزانش به انجام دادن کار هنری مشغول باشد می‌تواند تأثیر زیادی روی افکار آن‌ها و ارتقای علاقه آن‌ها داشته باشد. به این وسیله بود که می‌توانست بچه‌ها را حتی در قسمت‌هایی از فرایند تولید هنری سهیم کند. پس بی‌وقفه می‌نوشت. با اینکه سنی از او گذشته بود ولی عشق و علاقه‌اش به نوشتن کاسته نشده بود.

با دست لاغر و رگرگی‌اش که کشیده و بی‌خون بود کار بچه‌ها را اصلاح می‌کرد و باز می‌نوشت. قلم را در میان انگشت اشاره و شصت گرفته بود. آرام‌آرام آن را بر مسیر

حروف و کلمات به جلو می‌راند. هر بار که قلم را در دوات می‌زد انگار قرار بود متنی تازه روی صفحه بروید، دایره‌ای دهان باز می‌کرد و مؤلفه‌های رو به بالا شکوفا می‌شدند. کشیده‌ای مثل اسب تیزپا به راه می‌افتاد و دایره معکوس سر رفتن نداشت و باز می‌گشت و در جوار دایره قبلی آرام می‌گرفت. اما دیگر صفحه جان گرفته بود و گلستانی از حروف آن را به زیبایی نمایان ساخته بود.

این بار نوبت علی بود. علی جان امروز برایم چه نوشته‌ای؟ علی مشق‌های خودش را پیش روی آقا معلم می‌گذاشت.

معلم از نرمشی که در قلم علی

به وجود آمده بود به وجد آمد و خط او را بالا گرفت و گفت بچه‌ها، علی نتیجه تلاش خودش را از خوش‌نگاری گرفته و به‌طور حتم موفقیت بیشتری نیز پیدا خواهد کرد. چهره علی مثل گل شکوفا شده بود و آرامش همراه با هیجانی در دلش موج می‌زد.

آقا معلم بود و احساس خوبی که برای زحماتش در کلاس، علائم مثبت و خرسندکننده‌ای دریافت می‌کند. رو به علی کرد و گفت علی جان هر چه که در این راه پیش بروی همت تو باید افزون‌تر شود. زیرا خط‌نگاری در

سبک هنر!

به شکل کلی استمرار در تمرین و کار مداوم است. می‌دانم درس‌های زیادی دارید ولی خوش‌خطی نعمتی است که همیشه و در طول عمرتان با شما خواهد بود. امروزه روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که خط خوش بیان‌کننده بخشی از شخصیت هر کس می‌تواند باشد. افزون بر این در روزگار شتابان امروز نوشتن خط و لذت بردن از آن بهترین همخوانی را با ذات معنوی ما دارد. به همین دلیل در زمانی که توانا هستید و قدرت فراگیری دارید، لحظه‌ها را قدر بدانید و خوش‌خطی را در خود نهادینه کنید. همه شما استعداد دارید اما اگر پشتکار را هم به آن اضافه کنید بی‌تردید افق‌های روشن و تازه به شما گشوده خواهد شد.

در تاریخ روشن عصرگاه یک روز پاییزی استاد در حال جمع‌وجور کردن وسایل بود که زنگ کلاس نواخته شد. هلهله و جنب‌وجوش بچه‌ها که ناشی از زنگ بود فضای کلاس را عوض کرد. بچه‌ها آرام آرام کلاس را ترک می‌کردند. برخی نیز منتظر بودند که آقای معلم را همراهی کنند. آقای معلم خسته بود ولی رضایت‌مندی او از کلاس چهره‌اش را شادان کرده بود.

باید بالا نوشته می‌شد و به قول استاد سطر را می‌بست و به آن ایستایی و استواری می‌داد.

حالا لحظات واپسین کلاس بود. انگار نور لامپ هم دیگر نمی‌توانست همه جا را به خوبی روشن کند. یا اینکه چشم استاد از بس که نوشته بود یارای دیدن دقیق نداشت. با این حال سطر زیبا بود. گویی استاد حدیث نفس کرده بود:

محبت‌های استادان خود را مَبَر هرگز ز خاطر دانش‌آموز! استاد سر را از روی صفحه برداشت و نوک قلمش را خشک کرد. سرمشق را به علی داد و رو به بچه‌ها کرد و گفت:

بچه‌ها برای امروز کافی است. فقط به خاطر داشته باشید رمز موفقیت شما در خط به‌طور خاص و در هنر

ساختن شخصیت و استحکام و ثبات آن نیز مؤثر است بچه‌ها مطمئن باشید که خوش‌خطی شما در سایر وجوه زندگی‌تان اثر سازنده خودش را خواهد گذاشت. این را گفت و نوشتن سرمشق را برای علی آغاز کرد. آرام آرام با حرکت‌های قلم‌نی استاد حروف و کلمات کنار هم می‌نشستند. به تدریج فراز و فرود هر سطر همچون دانه‌های زنجیر به هم می‌پیوستند. سطر از قوام درمی‌آمد و آخر الامر معلوم نبود متن چه باشد و کدام حرف یا کلمه در انتهای سطر

گلگشت هنری

در صف‌ها

همراه با دبیران و مدرسان هنر استان

اشاره

اصفهان در منظومه فرهنگی و هنری ایران و جهان جایگاه ویژه‌ای دارد. خاستگاه شماری از مکتب‌داران هنرهای ایران اصفهان است. شهری که بناهای معماری‌اش، آن را به موزه‌ای درخشان تبدیل کرده و گوشه گوشه شهر به عنوان مدرسه‌ای نامرئی ذهن و ضمیر جمال‌شناسانه مخاطبان را به سوی خود می‌خواند. این بار گلگشت هنری مجله رشد آموزش هنر را به میزبانی دبیران هنر استان اصفهان برگزار کرده‌ایم. مصاحبه‌ای ارزشمند که هر کدام از همکاران هنر دیدگاه‌های خود را مطرح کرده‌اند. با هم متن این مصاحبه را می‌خوانیم.

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

این مصاحبه قبل از ایام کرونا انجام شده است.



بهترین خاطره هنری

یک نوبت در مدرسه‌ای غیبت کرده بودم. نوبت بعد که به مدرسه رفتم معاون مدرسه به من گفت که مدیر به خاطر غیبتی که داشتی برایت تشویقی رد کرده است! اول فکر کردم شوخی می‌کند و به کنایه این حرف را می‌زند. ولی واقعیت داشت. داستان از این قرار بود که در غیاب من مدیر به کلاس رفته و دیده بوده که دانش‌آموزان همگی وسایل هنری‌شان را آورده‌اند و مشغول کار هستند. مدیر با خود گفته بود معلمی که در غیبتش هم کلاسش همچنان به راه است حتماً طوری کار کرده و تأثیر مثبتی روی دانش‌آموزانش گذاشته که بچه‌ها در نبود او با همان نظم و ترتیب به کار هنری‌شان پرداخته‌اند. به این دلیل برایم درخواست تشویق کرده بود.

هنا شما، برای انسجام بخشی به دبیران هنر چه ایده‌ای دارید؟

- به نظر من برگزاری گردهمایی بین همکاران هنر بسیار مهم و مؤثر است، و این مجامع چه خوب است که در ساعات مشغولیت همکاران با تدریس هنر برگزار شود تا همگی موظف به حضور شوند. در اصفهان هر سال و برای هر ناحیه دوبار مجوز

می‌کنیم تا به همه آن‌ها پرداخته شود. در این جلسات از همکاران و دبیران هنر استفاده می‌کنیم تا تجربه‌هایشان را به دیگر همکاران آموزش دهند. نکته مثبت این کار آن است که دبیران هنر حرف همدیگر را راحت‌تر درک می‌کنند، چرا که همگی تجربه کلاس را دارند.

در استان ۲۸۰ تا ۳۰۰ معلم هنر داریم که فقط حدود ۱۰۰ نفرشان تخصصی هستند. آموزش و پرورش توان این را ندارد که نیروهای متخصص را نگه دارد چون نمی‌تواند جوابگوی نیازهای آنان باشد؛ در نتیجه، بعضی از دبیران تخصصی هنر عملاً کناره‌گیری می‌کنند. برخی دیگر هم در پست‌های مدیریت و معاونت فعال‌اند.

در حقیقت مشکل اصلی ما کمبود انگیزه بین دبیران هنر است! هر کدام از ما وجهه‌ای می‌خواهیم و نیاز به دیده شدن داریم، ولی اصولاً دبیران هنر در آموزش و پرورش دیده نمی‌شوند. نظام آموزش و پرورش نظامی بر پایه درس‌هایی چون علوم و ریاضی است و این مشکل روی همکاران تأثیر منفی می‌گذارد.

هنا با سلام و سپاس از حضور یکایک دبیران محترم هنر که افتخار شرکت آنان را در این میزگرد داریم در ابتدا از سرگروه محترم هنر استان خواهش می‌کنم گزارشی از وضعیت هنر و دبیران هنر ارائه کنند.

◀ **علی همتیان**، سرگروه هنر اصفهان هستیم.

آموزش و پرورش استان اصفهان دارای ۴۲ ناحیه است که ۶ ناحیه از این تعداد در شهر اصفهان است. امسال با همکاری مسئولان ما توانستیم در ۱۸ منطقه سرگروه داشته باشیم. اما متأسفانه ۲۴ ناحیه هنوز بدون سرگروه است.

آخرین مجمع بین سرگروه‌ها دو ماه پیش برگزار شد. ما در هر مجمع موضوعات کتاب درسی را تقسیم



علی همتیان
سرگروه هنر اصفهان

دبیران هنر حرف همدیگر را راحت‌تر درک می‌کنند، چرا که همگی تجربه کلاس را دارند



ابوالفضل آقایی
دبیر هنر و مدرس دانشگاه فرهنگیان



گردهمایی داده می‌شود. بنابراین ما برای کاستن از این محدودیت، از مجامع همه نواحی استفاده می‌کنیم.

◀ ابوالفضل آقایی هستیم.

مدرس هنر نقاشی هستیم.

شاعر می‌گویید:

مثل شخص هنرمند به شمع

ماند

که شب و روز برای دگران

می‌سوزد

بزم عالم شده روشن ز هنرمند

ولی

در چراغ تن او روغن جان

می‌سوزد

خواندن کتابی
در حوزه هنر و
«شعر خوانی»،
بازدید از نمایشگاه
هنری، همنشینی
با هنرمندان خوب،
تماشای فیلم و دیدن
نمایش‌های قوی،
همه به معلم هنر
کمک می‌کند

دلتنگی‌های موجود، در زمانه‌ای که ما در آن هستیم، بیش از آن است که بخواهیم بیان‌شان کنیم. با این حال خدا را سپاس که همین هنر را به من داده که این زمانه سخت را بتوانم بگذرانم. چه خوب است که ما به جای اهمیت دادن بیش از حد به دروسی مثل ریاضی و علوم، به هنر شعر خوانی، قصه گویی، و ... در کلاس‌هایمان بپردازیم.

خاطره

چندی پیش کلاس طراحی کودک داشتم. دختری کوچک به نام سارا در آن جا حضور داشت. قصه‌ای را برای بچه‌ها در مورد ویژگی‌های پدر و مادر تعریف کردم تا بچه‌ها نقاشی کنند. سارا هم یک نقاشی کشیده بود که در آن هیکلی بزرگ برای پدر ترسیم کرده بود و در سمت راست پدر دو دست و در سمت چپ او دستی دیگر برایش نقاشی کرده بود. این برای من سؤال شد! با خودم فکر کردم چگونه وارد این موضوع شوم که به سارا بر نخورد و ذوق و شورش کم نشود. گفتم سارا چه نقاشی قشنگی کشیدی! نقاشی‌ات چه حال خوبی دارد. چقدر پدرت را



مجتبی شریفی
دبیر هنر
ناحیه ۳ اصفهان
و مدرس
دانشگاه فرهنگیان

تنومند کشیدی و ...

سارا که این را شنید گفت: آخه پدر من خیلی پر قدرت است. او مربی باشگاه است!

از همین جا فهمیدم که مربی باشگاه و زور و بازوی پدر سارا از نگاه او به این شکل به تصویر در آمده.

🎨 آقای آقایی! شما در

مجمع چه موضوعاتی را مطرح کردید؟

– بحث ادبیات نمایشی و شیوه‌هایی که معلم می‌تواند با گویش نمایش مباحث را در کلاس مطرح کند.

🎨 روش شما برای تدریس

این نکات به همکاران هنر چیست؟

– من معتقدم که معلمان هنر هیچ راهی به جز بیمه کردن خودشان با سلاح هنر ندارند. خواندن کتابی در حوزه هنر و «شعر خوانی»، بازدید از نمایشگاه هنری، همنشینی با هنرمندان خوب، تماشای فیلم و دیدن نمایش‌های قوی، همه به معلم هنر کمک می‌کند.

گنجینه بزرگی از نمایش‌نامه‌های مناسب برای نوجوان‌ها از آقای حسن دولت‌آبادی وجود دارد که خلأ کمبود نمایش‌نامه مناسب برای این سنین را پر می‌کند.

از مشکلات ما این است که مربیان در انتخاب نمایش‌نامه برای کودک و نوجوان دقت و مطالعه کافی ندارند و نمایش‌نامه‌هایی که برای سن آن‌ها مناسب است انتخاب نمی‌کنند. هرگز نباید فراموش کنیم که هدف از اجرای نمایش، آموزش کار گروهی و همکاری و همفکری بین دانش‌آموزان است، نه اجرای نمایش‌نامه‌های سنگین و سطح بالا توسط آنان که به سختی معنایشان را درک می‌کنند.

◀ **مجتبی شریفی، دبیر هنر اصفهان هستیم.**

من در سال اولی که وارد آموزش و پرورش شدم، به مدرسه‌ای رفتم که معروف بود دانش‌آموزانی شلوغ و بازیگوش دارد. ۱۲ ساعت تدریس داشتم. یکی از دانش‌آموزان خیلی شر بود و همه معلم‌ها از او شکایت داشتند. سر کلاس من هم به آزار و اذیت می‌پرداخت. روزی من به حساب جوانی و کم تجربگی‌ام او را سیلی زدم. او هم گفت که فردا پدر و مادرش را به مدرسه می‌آورد. فردای آن روز، در حالی که من منتظر یک دعوی حسابی بودم، دیدم این دانش‌آموز با یک شاخه گل وارد کلاس شد و آن را به من داد! فهمیدم که پدر و مادر با فرهنگی داشته است که او را این‌طور راهنمایی کرده‌اند. من هم برای جبران، و تشکر از او، قطعه خطی نوشتم و به او دادم. از آن پس این دانش‌آموز تا آخر سال یکی از بهترین‌های کلاس از نظر رفتاری بود. به هنر هم علاقه‌مند شد و خط و خوشنویسی کار می‌کرد. این خاطره همیشه در ذهن من مانده است. در بحث هنر هم باید بگویم که تخصص ما دبیران هنر هم حُسن است و هم عیب. به عنوان مثال من در خوشنویسی علاقه و فعالیت دارم. این باعث می‌شود من به صورت ناخودآگاه به درس خوشنویسی بهای بیشتری دهم. البته تمام تلاشم را می‌کنم تا این اتفاق نیفتد و با زمان‌بندی مناسب برای تمامی هنرها وقت کافی را اختصاص دهم. حتی در رشته‌هایی مانند موسیقی از دانش‌آموزان کمک می‌گیرم.

🎨 به نظر شما چرا تمایل

بچه‌ها به درس هنرهای آوایی بیشتر است؟

– معلوم است. چون از نظر بچه‌ها جاذبه هنرهای آوایی از دیگر دروس بیشتر است.



مجید شریفیان
دبیر هنر بادرود

هنر است. این زیادی سرفصل‌ها نباید حرکت را شعار گونه کند، هر چند که در سال‌های اخیر در هنرستان‌ها شاهد پیشرفت‌هایی در این زمینه بوده‌ایم. دشوار شدن تدریس سرفصل‌ها از دیگر مشکلات است، چرا که در کنار تصاویر کتاب درسی هنر زیرنویس وجود ندارد. پیشنهاد دیگری برای کتاب درسی دارم و آن اینکه، سایت‌های هنری به دانش‌آموز معرفی شود تا منبعی خارج کتاب داشته باشد و مطالب هنری را در آن‌ها جست‌وجو کند.

بخش خوشنویسی کتاب در قسمت قلم درشت کمی سنگین است. سرمشق‌ها، هم از لحاظ مفهومی و هم از نظر خطی، دشوارند



ابوطالب صادقی
سرگروه ناحیه ۳ اصفهان

از شگردهایی که من در مورد تدریس هنر به کار می‌گیرم سعی در متفاوت نشان دادن دبیر هنر نسبت به دبیران دیگر است. این تفاوت می‌تواند در ظاهر، ارائه مطالب و در چگونه آغاز کردن کلاس هنر در ابتدای سال اتفاق بیفتد. باید کارگاه هنری از مدیر خواسته شود و اگر امکانش نیست خودش کارگاه را در حیاط تشکیل دهد. همچنین باید بچه‌ها بازدیدهایی از مکان‌های هنری شهر داشته باشند. من خودم سه بار در سال، بچه‌ها را در سطح استان اصفهان به این گونه بازدیدها می‌برم و این بهترین روش برای ترغیب دانش‌آموز به هنر و تقویت حس زیبایی‌شناختی آن‌هاست. همچنین باید به دبیران هنر یاد دهیم که خلاقیت بچه‌ها را به شیوه‌های مختلف شکوفا کنند و تنها کپی کاری نکنند.



ویدا بهزادی
دبیر هنر ناحیه ۳ اصفهان

◀ **ویدا بهزادی، دبیر هنر اصفهان** هستم. سابقه سرگروهی نیز دارم. در آموزش و پرورش به گروه‌های آموزشی بی توجهی می‌شود. البته اداره و گروه‌ها وجود دارند اما فقط به شکل نمادین هستند و توجه جدی

تا درختی را طراحی کنیم. من در خانه وقت زیادی را صرف کشیدن آن کردم. وقتی آن را به کلاس بردم، معلم مرا خیلی تشویق کرد و خودش هم در دفترم درختی را طراحی کرد. همین انگیزه‌ای شد که به هنر بیشتر علاقه‌مند شوم و این راه را ادامه دادم. زیباترین خاطرات من به دانش‌آموزانی مربوط می‌شود در یک مدرسه دولتی که با تشویق من وارد رشته‌های هنری شدند. در واقع خانواده‌های آن بچه‌ها نیز، با تلاش‌ها و توضیحات من در خصوص اهمیت و ارزش هنر، راضی به این انتخاب رشته بچه‌هایشان شدند. بعدها همین دانش‌آموزان از من برای بازدید از نمایشگاه هنری‌شان دعوت کردند که برایم بسیار هیجان داشت و به من انگیزه و امید دوباره داد. دیدم تلاش‌هایم به نتیجه نهشته است و فهمیدم که دانش‌آموزان را در مسیر درست هدایت کرده‌ام.

از مشکلاتی که وجود دارد این است که آموزش و پرورش خودش برای ایجاد انگیزه در دبیران هنر اقدامی نمی‌کند. برای نمونه هنگامی که من مدرک کارشناسی ارشدم را گرفتم و گفتند در ارتقای رتبه‌ام اعمال نمی‌شود. با این وصف دبیران دیگر چه انگیزه‌ای دارند که سطح سوادشان را رشد و ارتقا دهند؟! چه خوب بود که در کتاب‌ها بحثی را در مورد عنوان «فرهنگ و هنر» باز می‌کردند و به توضیح درباره آن می‌پرداختند. دانش‌آموز شناخت درستی از مفهوم فرهنگ و هنر ندارد و برایش جا نیفتاده و خلأ نبودن توضیحاتی پیرامون این موضوع حس می‌شود. نکته دیگر تنوع سرفصل‌های کتاب و زیاد بودن آن‌ها در جهت آشنایی دانش‌آموز در زمان انتخاب رشته و علاقه‌مند کردن بچه‌ها به

📌 باز خورد بچه‌ها در کلاس

نسبت به خوشنویسی چطور است؟

من سعی می‌کنم به گونه‌ای با دانش‌آموزان خط کار کنم که آن را دوست داشته باشند. اما بخش خوشنویسی کتاب در قسمت قلم درشت کمی سنگین است. سرمشق‌ها، هم از لحاظ مفهومی و هم از نظر خطی، دشوارند. کتاب به معرفی خطوطی پرداخته است که بچه‌ها با آن آشنایی ندارند. من هم سر کلاس آن‌ها را تدریس نمی‌کنم چرا که بچه‌ها را بی‌علاقه خواهد کرد.

◀ **مجید شریفیان، سرگروه هنر**

شهر بادرود هستم. ما یک «معلم هنرمند» داریم و یک «هنرمند معلم». ما به مدیرانی با ذوق نیاز داریم که با درس هنر و مضامین آن همراهی داشته باشند.

در مورد کتاب نظر من این است که همه قسمت‌های آن سرکلاس قابل اجرا نیست و بیشتر برای اطلاع دانش‌آموز مفید است. نکته دیگر در مورد دبیران غیر تخصصی هنر و کارا نبودن آن‌ها در درس هنر است. از نظر روان‌شناسی وقتی دانش‌آموز متوجه شود که دبیر هنر در کلاس حرفی برای گفتن ندارد دیگر نمی‌توان او را سر کلاس نگه داشت، چون می‌داند اطلاعات زیادی به او اضافه نخواهد شد.

◀ **صادقی، دبیر هنر ناحیه دو**

اصفهان هستم. من ۲۱ سال است که سر کلاس می‌روم، و با اینکه پست‌های اداری هم به من پیشنهاد شده است اما هیچ‌وقت حاضر نشده‌ام که تدریس را رها کنم.

انگیزه‌ام برای دبیری هنر از زمانی بود که دانش‌آموز بودم. در دوره راهنمایی معلم هنر از ما خواست



مریم مطهری
دبیر هنر ناحیه ۶ اصفهان

به آن‌ها نمی‌شود. مثلاً من، به عنوان سرگروه هنر، بعد از بازدیدها نقاط ضعفی را می‌بینم. ولی تاکنون بعد از گزارش به ما فوق، در تمام این سال‌ها، نتیجه‌ای از عملکرد گروه آموزشی در جهت پیگیری مسائل و نظارت و بازدید از مدارس دریافت نکرده‌ام. کما اینکه در حال حاضر مدارس به دلیل همین عدم پیگیری، ساعات تدریس هنر را کاهش می‌دهند یا به طور کامل حذف می‌کنند. حتی در صورت گزارش متوجه می‌شویم که مدیران با اداره آموزش و پرورش تعامل دارند و این مسئله را این‌گونه حل می‌کنند. پیشنهاد من برای حل مشکل این است که وقتی به عنوان سرگروه از مدرسه‌ای بازدید می‌کنم نقاط ضعف و قوت آن مدرسه در زمینه هنر را می‌بینم و گزارش می‌کنم و از آموزش و پرورش انتظار دارم که نقاط قوت را برجسته کند تا سبب تقویت آن‌ها شود و در مورد نقاط منفی نیز اقداماتی به عمل آورد و این اعمال منفی را بی پاسخ نگذارد تا بازدیدهای سرگروه نتیجه‌بخش باشد.

دهه محرم بچه‌ها بعد از یادگیری تعزیه خوانی آن را کاربردی می‌کنند. یعنی آواها و نواهایی را که در تعزیه می‌شنوند به عناصر موجود در آن از جمله سازها و ریتم و ... دقت می‌کنند و آن را سر کلاس با شور و شوق برای من شرح می‌دهند

قطعه قوت کتاب تنوع در موضوعات هنری است، هرچند که این شگرد هم مشکلاتی در پی دارد اما حسن آن بیشتر است



پریسا ایران پور
دبیر هنر و هنرآموز
شهرستان مبارکه

◀ **همتبان:** من سال گذشته برای بازدید سر کلاس همکاری رفتم که فوق دیپلم هنرهای تجسمی داشت. بعد از نظرسنجی کلاسی همه بچه‌ها نظری منفی در مورد نحوه تدریس ایشان داشتند. معلوم شد که شیوه تدریس این همکار محترم نیاز به تجدید نظر جدی دارد و در این باره با دبیر و مدیر آن مدرسه و مسئول گروه‌های آموزشی صحبتی کردم. امسال هم

از اداره تکنولوژی خواهش کردم که برای پیگیری مجدد همان مورد، خودم را برای بازدید بفرستند. اما مرا نفرستادند و مشخص نشد که صحبت‌های سال پیش من اصلاً تأثیری داشته است یا خیر! با این کار قسمت زیادی از سرگروهی بی‌تأثیر است. در صورتی که درست آن است که برای کاری که انجام می‌دهم تضمینی وجود داشته باشد تا مؤثر واقع شود.

◀ **مریم مطهری، دبیر هنر** اصفهان هشتم که سابقه سرگروهی را به مدت چهار سال داشته‌ام. حدود ۲۰ سال سابقه دارم و در زمینه شعر و نقاشی فعالیت می‌کنم. من یک پل ارتباطی بین مبحث تصویرسازی و نمایش برقرار کردم؛ به این صورت که به بچه‌ها می‌گفتم به شعر یا داستانی که برایشان می‌گفتم می‌شد پر و بال بدهند و آن را گسترده سازند. آن‌ها هم همین کار را می‌کردند و بعد از آن تصاویر قسمت‌های اوج داستان و قهرمان‌های آن را نقاشی می‌کردند. سپس همگی، با مقوا این تصاویر را به ماکت تبدیل می‌کردیم و در تئاتر از آن‌ها استفاده می‌کردیم. این کاری بود که تمام مراحل آن

را خود دانش آموز پیش می‌برد. یک سال هم در سطح استان بچه‌ها با همین شیوه در تئاتر رتبه کسب کردند.

از مشکلاتی که وجود دارد این است که برای مدرسه‌ها امکان ایجاد کارگاه هنر وجود دارد اما همکاری لازم برای این عمل صورت نمی‌گیرد و از ما می‌خواهند در همان کارگاه حرفه و فن، کارگاه هنرهای تجسمی را هم برپا کنیم که این موضوع خودش مشکلاتی ایجاد کرده است. درباره ویژگی معلم محبوب هنر، به نظر من بهترین ویژگی یک معلم هنر آن است که خودش خلاق باشد. در این صورت می‌تواند دانش‌آموز را به خوبی پرورش دهد.

◀ **پریسا ایران پور، مدرس** گرافیک در شهر مبارکه هشتم و در ناحیه مبارکه تدریس می‌کنم و ۱۳ سال سابقه دارم. در مبارکه بازخورد بچه‌ها در زمینه هنرهای آوایی بسیار مثبت است ولی در مدرسه کاری انجام نمی‌شود، ولی چون در آنجا بحث تعزیه خوانی خیلی رواج دارد اتفاق خوبی می‌افتد و آن این است که در دهه محرم بچه‌ها بعد از یادگیری





مژگان حقیر
هنرآموز ناحیه ۵ اصفهان

دارم. طراحی کتاب از اصول اولیه گرافیک به دور است. برای مثال کتاب ادبیات خیلی هنری تر از کتاب هنر صفحه آرایی شده است. نقطه قوت کتاب تنوع در موضوعات هنری است، هرچند که این شگرد هم مشکلاتی در پی دارد اما حسن آن بیشتر است.

از مشکلاتی که وجود دارد این است که برای مدرسه‌ها امکان ایجاد کارگاه هنر وجود دارد اما همکاری لازم برای این عمل صورت نمی‌گیرد و از ما می‌خواهند در همان کارگاه حرفه و فن، کارگاه هنرهای تجسمی را هم برپا کنیم که این موضوع خودش مشکلاتی ایجاد کرده است

نکته دیگر تنوع فصل‌های کتاب و زیاد بودن آن‌ها در جهت آشنایی دانش‌آموز در زمان انتخاب رشته و علاقه‌مند کردن بچه‌ها به هنر است



احمد عزیزپور
عضو گروه هنر استان
اصفهان و مدرس دانشگاه

نکته دیگر در قسمت مفهوم اشعار سرمشق‌های خوشنویسی است. من خودم در کلاس وقتی به این مبحث می‌رسم ناچارم توضیحاتی در مورد مضمون هر شعر برای بچه‌ها بدهم. و در تلفظ اشعار به آن‌ها کمک کنم. خاطره‌ای نیز دارم، در سال‌های اول معلمی، در روستایی دور افتاده در استان ایلام تدریس داشتم. آن مکان با هنر بیگانه بود. ولی من با علاقه به مدت دو سال در آنجا با بچه‌ها کار کردم. بعد از ده سال، تنها دلخوشی‌ام این بود که در هر خانه‌ای یک یا دو اثر هنری جا گرفته بود و آن هم کار خود بچه‌ها، یعنی از کارهای شاگردان من بودند. وقتی در آنجا یک نمایشگاه برگزار کردم و همه از نمایشگاه بازدید کردند خانواده‌ها از تأثیر مثبتی که روی بچه‌هایشان گذاشته شده بودند برایم گفتند. حتی شنیدم که یکی از دانش‌آموزانم، بعد از بازدید از آثار هنری من، به خانواده‌اش گفته بود که من می‌خواهم یک «عزیزپور» شوم. این برای من بسیار با ارزش بود چراکه نشان می‌داد عملکردم به قدری مثبت و تأثیرگذار بوده که یکی از بچه‌ها خواسته‌اش این بوده که فردی شبیه من شود.

از روی دیوار می‌پرند و وارد حیاط ما می‌شوند و پشت سر دانش‌آموزان من می‌نشینند و شروع به نقاشی می‌کنند. بعد هم نقاشی‌شان را همان‌جا می‌گذاشتند و می‌رفتند. نقاشی‌هایشان بسیار زیبا بود. مدت‌ها این اتفاق می‌افتاد تا اینکه دیگر به حیاط نرفتیم. یک روز دانش‌آموزان پسر به حیاط ما آمدند و جویای کلاس هنر شدند و از من خواستند که بروم و نقاشی‌هایی را که کشیده بودند را ببینم. ۶ سال بعد از آن مرا به مدرسه پسرانه دعوت کردند. فهمیدم از آن کلاس ۲۰ نفره، ۱۵ نفر از بچه‌ها در حال تحصیل کارشناسی گرافیک در دانشگاه کاشان و دیگر شهرها بودند. دانش‌آموزان دیگر را هم که دعوت کرده بودند، همراه با ساز، شروع به خواندن آواز مرغ سحر کردند. در آن سال‌ها من این تصنیف را به آن‌ها آموزش می‌دادم و این برایم بهترین خاطره بود؛ چون بعد از ۶ سال ثمره کارم را می‌دیدم.

◀ **عزیزپور:** رشته تخصصی‌ام گرافیک است، بنابراین به بخش دیزاین و طراحی کتاب هنر نقد

تعزیه‌خوانی آن را کاربردی می‌کنند. یعنی آواها و نواهایی را که در تعزیه می‌شنوند به عناصر موجود در آن از جمله سازها و ریتم و ... دقت می‌کنند و آن را سر کلاس با شور و شوق برای من شرح می‌دهند.

◀ **شریفیان:** به قول استاد مجید کیانی، شادی و غم در هنرهای آوایی ما کاذب است. در نیمی از اجراهای ماه محرم از دستگاه‌های نهفت و نوای موسیقی ایرانی استفاده می‌شود. بنابراین در تعزیه، موسیقی اجرا شده با ما غریبه نیست. وقتی بچه‌ها این اطلاعات را داشته باشند عالمانه متوجه جزئیات اجرا خواهند شد.

◀ **ایران‌پور:** بهترین خاطره‌ام مربوط به سال دوم تدریس در روستای حسن آباد مبارکه است. در مدرسه متوسطه اول دخترانه، که در کنار مدرسه‌ای پسرانه بود تدریس داشتم. بین دو مدرسه دیوار کوتاهی قرار داشت. من ساعت‌هایی را که در داخل حیاط مدرسه تدریس می‌کردم گاهی متوجه می‌شدم که بچه‌های مدرسه کناری، مخفیانه،





معرفی نمایشگاه‌های آنلاین از آثار هنری دانش آموزان

رقیه السادات وزیری
دبیر هنر شهر یزد

اشاره
آگاهی از اینکه دانش آموزان و هنرجویان در دیگر نقاط دنیا چه نوع آثار هنری خلق می کنند، لذت بخش و آموزنده است. اگر چه برای مقایسه و تطبیق فرایند و برابند آموزشی گروه های سنی مختلف دانش آموزی (از فرهنگ های متفاوت)، رجوع به مقاله های علمی، آمار موثق و مشاهده از نزدیک لازم است، اما تماشای نمونه آثار هنری دانش آموزان همراه با آگاهی از رده سنی، کشور محل تحصیل و سال خلق اثر اطلاعات مفیدی را در اختیار دبیران و پژوهشگران حوزه آموزش هنر می گذارد و می تواند الهام بخش خلق اثر و ارتقا دهنده سواد بصری شده و منجر به آشنایی با فرهنگ و هنر معاصر کشورهای مختلف شود. در زمانی که به علت وضعیت قرنطینه فرصت و توجه به استفاده از آموزش الکترونیکی و مجازی بیشتر شده است؛ معرفی منابعی که در آنها امکان مشاهده و مطالعه نمونه آثار دانش آموزان وجود داشته باشد، مفید خواهد بود. بنابراین در این مقاله، به معرفی منابعی می پردازیم که نمونه آثار هنری دانش آموزان در وبگاه آنها بارگذاری و امکان مشاهده و تعامل در سه نقش معلم، والدین و دانش آموز وجود دارد.

کلیدواژه ها:

آموزش مجازی هنر، آموزش الکترونیکی هنر، منابع آنلاین آموزش هنر

تهیه و مشاهده نمونه کارهای هنری (پورتفولیو) شناخته شده است، معرفی و چگونگی بارگذاری اثر، ساخت حساب کاربری، مشاهده آثار و فعالیت در نقش معلم، والدین و دانش آموز شرح داده می شود.

۱. آرت سونیا (Artsonia)

۲. سی سا (Seesaw)

۳. پینترست (Pinterest)

۴. آرت سونیا ([https:// www.artsonia. com/](https://www.artsonia.com/))

آرت سونیا، مجموعه آنلاین

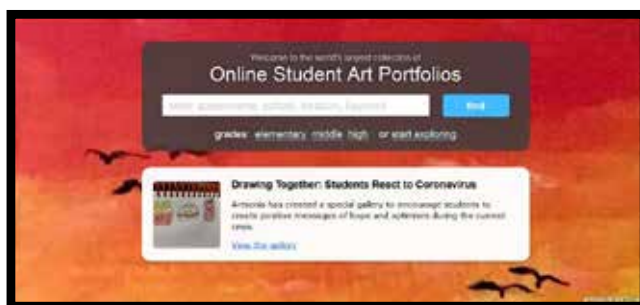
نمونه کارهای هنری (Portfolio) دانش آموزان است. این مجموعه توسط معلمان و دانش آموزان منتشر شده

پورتفولیو (Portfolio)

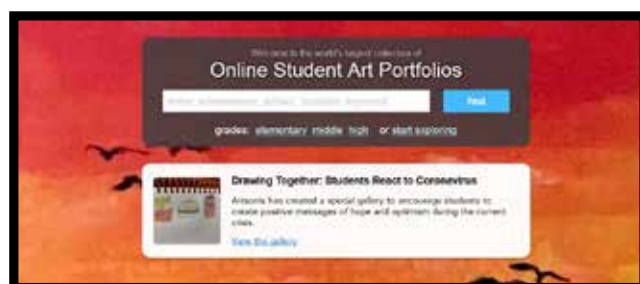
یا نمونه کار در حوزه هنر چیست؟

پورتفولیو در حوزه هنر، همان نمونه کار هنری است که دانش آموزان علاقه مند به ادامه تحصیل در حوزه هنر، برای گرفتن بورس تحصیلی یا ورود به مقطع بالاتر مانند کالج، باید آن را تنظیم کنند. به طور معمول، دبیران هنر، مربی راهنمای دانش آموزان در تهیه این پرونده هنری هستند. نمونه کار هنری، پرونده ای است که شامل نگهداری سوابق مشاهده ای، پروژه های رسانه ای، آثار هنری تجربی، آثار مجموعه ای و کتابچه راهنمای آثار و هرگونه مستنداتی از نمونه های بروز خلاقیت دانش آموز می تواند باشد. برای نمایش کار نهایی از انواع نسخه های دیجیتالی استفاده می شود. در این مقاله سه منبع که در

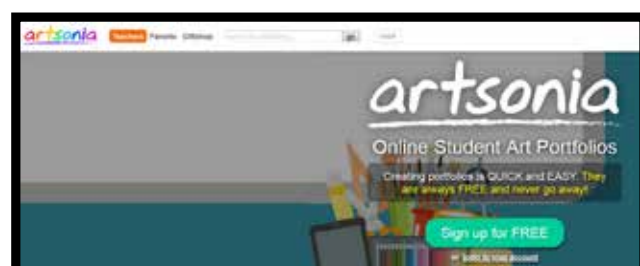
تصویر (۱)



تصویر (۲)



تصویر (۳)



تصویر (۴)



است. خانواده‌ها می‌توانند ضمن ملاحظه نمونه کار دانش‌آموزان نظر خودشان را بنویسند و دسترسی به فروشگاه نمونه آثار هنری داشته باشند. ۲۰ درصد از خرید آنلاین والدین از فروشگاه آثار هنری به برنامه‌های مدارس آمریکا و کانادا اهدا می‌شود. هدف آرتسونیا، حمایت از بیان هنری کودکان است. هر سال نیز جایزه‌ای به بهترین مربیان هنر تعلق می‌گیرد. تاریخچه شکل‌گیری آرتسونیا جالب توجه است. در سال ۲۰۰۰ هنگامی که سه همکار به نام‌های جیم میرز

(Jim Meyers)، اریک میدل (Eric Meidel) و کیشور سوامیناتان (Kishore Swaminathan) مشغول گفت‌وگو بودند، کیشور متوجه یک نقاشی شد که بر دیوار اتاق محل کارشان نصب بود و آن نقاشی رنگین‌کمان بود که فرزند ۸ ساله یکی از همکاران کشیده بود. در آن لحظه این سؤال برای آن‌ها ایجاد شد که چرا چنین نقاشی زیبایی در وب‌سایتی نباشد که تمام مردم ببینند و از زیبایی آن لذت ببرند. همین صحبت زمینه شکل‌گیری وبگاه را ایجاد کرد و در کمتر از یکسال ۲۵۰۰ اثر هنری از مدارس برای آن‌ها ارسال شد. این وبگاه در سال ۲۰۰۶ از طرف انجمن ملی آموزش هنر

(National Arts Education Association)

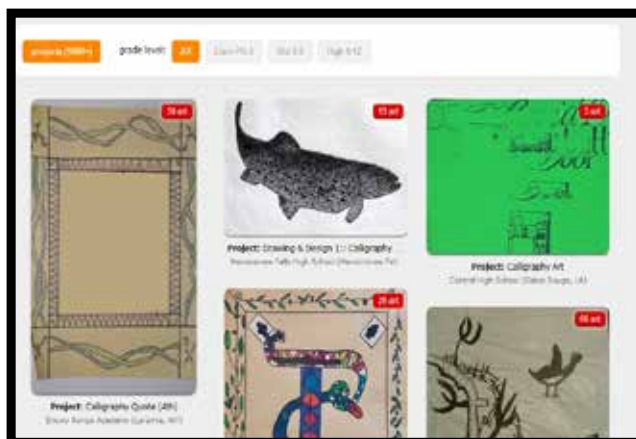
جایزه خدمات برجسته در آموزش هنر را دریافت کرد. برای جست‌وجوی آثار هنری در صفحه اصلی فیلدی وجود دارد که به تفکیک دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تقسیم شده است. البته گزینه‌ای نیز برای جست‌وجوی تازه‌ترین آثار با عنوان (start exploring) قرار دارد. گاهی نیز نمایشگاه‌های خاص از نمونه آثار دانش‌آموزان به نمایش گذاشته می‌شود. برای مثال «طراحی همگانی: واکنش دانش‌آموزان به کرونا ویروس»، که شامل آثاری با موضوعات: ۱. بعد از بحران تنها پیام امید و خوش‌بینی می‌ماند. ۲. تعطیلات برای من چگونه است. ۳. با هم ماندن در زمانی که از هم فاصله داریم. ۴. سپاسگزاری از پزشکان و پرستاران. (تصویر ۱)

برای ارسال آثار دانش‌آموزی به وبگاه، در صفحه اصلی، برای دو نقش معلمان و والدین امکان ورود و ثبت‌نام وجود دارد. دبیران هنر از سراسر دنیا می‌توانند در این

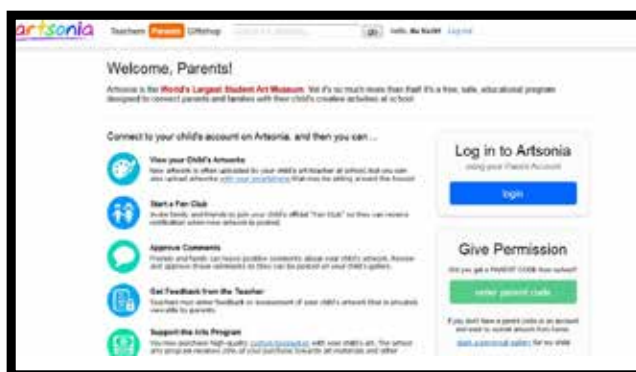
وبسایت با وارد کردن اطلاعاتی از جمله نام مدرسه، شهر و کشور، ایمیل و نام کامل خود در سایت، به‌طور رایگان ثبت‌نام و نمونه آثار دانش‌آموزان خود را بارگذاری کنند. برای ساخت پورتفولیو گام نخست ورود در نقش معلم در صفحه اصلی سایت است. سپس از طریق گزینه ثبت‌نام رایگان (sign up for free) گزینه آخر انتخاب و به صفحه مشخصات ارجاع داده می‌شود. تصویر ۲ و ۳

همراه، ارسال فیلم از کلاس، ارتباط با والدین و غیره در دسترس است. (تصویر ۴)

برای مشاهده آثار، به عنوان بازدیدکننده موقت و بدون ساخت حساب کاربری، لازم است در صفحه اصلی کلیدواژه‌ای وارد شود. این کلیدواژه می‌تواند نام اثر، نام مدرسه و منطقه جغرافیایی و با نوع اثر هنری باشد. برای کاربران غیرآمریکایی و کسانی که فارغ از منطقه جغرافیایی و محل تحصیل تنها هدف مشاهده آثار هنری را دارند، جست‌وجو و مشاهده می‌تواند از طریق وارد کردن نوع اثر هنری باشد. برای مثال اگر شما واژه Caligraphy (خوشنویسی) را وارد کنید به صفحه‌ای هدایت می‌شود که در آن‌ها مجموعه‌ای از آثار خوشنویسی و نقاشی خط دانش‌آموزان را مشاهده می‌کنید. (تصویر ۵)



تصویر (۵)



تصویر (۶)

دسترسی والدین به وبگاه به چند طریق امکان‌پذیر است. آن‌ها می‌توانند با ورود به بخش والدین (Parents) به طور مستقیم با وارد کردن ایمیل و دیگر مشخصات ثبت‌نام کنند. آثاری که به وسیله معلم بارگذاری می‌شود. برای دسترسی عموم، باید توسط والدین تأیید شود که در قسمت ورود کد والدین (Give Permission) صورت می‌گیرد. این گزینه امکان تعامل و نقش ارتباطی والدین را فراهم می‌کند. البته والدین می‌توانند به طور مستقیم نیز آثار فرزند خود را بارگذاری و بازخورد معلم را در مورد آن آثار مشاهده کنند. همچنین برای اولیاء این امکان وجود دارد که نظر خود را در مورد اثر هنری فرزندشان وارد کنند و از نظر بازدیدکنندگان، دوستان و همکلاسی‌های فرزندشان در مورد اثر، آگاه شوند. خرید آثار نیز یکی دیگر از امکانات وبگاه برای والدین است. (تصویر ۶)



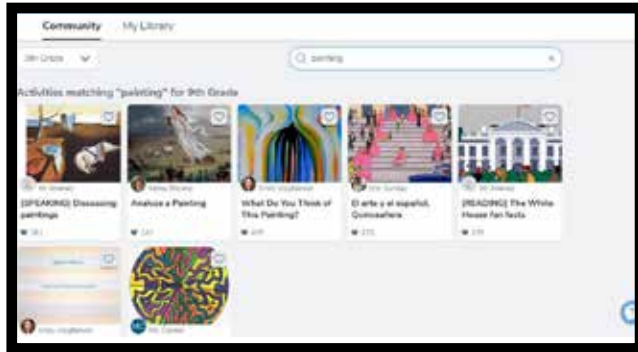
تصویر (۷)

Seesaw ([https:// web. seesaw. me/](https://web.seesaw.me/))

سی‌سا، وبگاهی برای آموزش و یادگیری از راه دور است. هدف سی‌سا، تشکیل یک حلقه یادگیری بین دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌هاست. دانش‌آموزان ابزاری برای ثبت یادگیری‌های خود دارند، معلمان، برای بهبود فرایند تدریس نکات مفیدی یاد می‌گیرند و خانواده‌ها نیز بیشتر با جریان یادگیری فرزندان خود درگیر می‌شوند. فضایی که برای

پس از ثبت‌نام امکان وارد کردن نمونه آثار هنری شخصی معلم و دانش‌آموزی وجود دارد. ساخت یک پورتفولیو و به‌روزرسانی فعالیت‌ها برای معلم در سه بخش your Program School Setup, Build Gallery, Promote تعریف شده است. در زیرمجموعه سه بخش ذکر شده، امکاناتی از قبیل نصب برنامه روی گوشی تلفن

اشتراک‌گذاری آن‌ها نمونه آثار هنری دانش‌آموزان فراهم می‌شود نه تنها دلهره آن‌ها را در نمایش دستاوردهایشان کاهش می‌دهد بلکه آن‌ها فضایی را برای الهام گرفتن و بازدید از نمونه آثار همسالان خود می‌یابند. معلمان نیز می‌توانند اطلاعاتی را راجع به فرایند کار همکارانشان و نحوه ارزیابی دیگر معلمان از آثار هنری کسب کنند. (تصویر ۷)



تصویر (۸)

در بخش مشاهده، از شما سؤال می‌شود، که در چه نقشی قصد ورود به سایت را دارید؛ معلم، دانش‌آموز یا خانواده و شما با انتخاب نقش خود می‌توانید، عضو سایت شوید. پس از عضویت در حساب کاربری معلم، امکان دعوت کردن تمامی دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها به تفکیک هر کلاس وجود دارد. برای ارتباط با خانواده هر دانش‌آموز لازم است ابتدا حساب کاربری توسط دانش‌آموز تشکیل شده باشد. ایجاد حساب کاربردی هر دانش‌آموز می‌تواند از طریق حساب جی‌میل و یا از طریق ایمیل مدرسه باشد. دانش‌آموزان در حساب خود می‌توانند انواع موضوعات گوناگون پیرامون تدریس، یادگیری، روان‌شناسی تربیتی، مهارت‌های برخورد با موقعیت‌های مختلفی را که در فضای آموزشی رخ می‌دهد و همچنین محتوا و مهارت‌های آموزشی دروس مختلف مانند علوم، ریاضی، یادگیری زبان انگلیسی، تاریخ، ادبیات، علوم اجتماعی، هنر و موسیقی و غیره را جست‌وجو کنند. (تصویر ۸)



تصویر (۹)

(پین کردن) کنند. از این طریق، نه تنها کاربران پرونده‌ای برای آثار هنری خود دارند که در معرض دید و نظر افراد دیگر قرار دارد بلکه امکان بازدید از خلاقیت‌ها و آفرینش‌های مردم در فرهنگ‌های مختلف نیز برای کاربران فراهم می‌شود. کلمه پینترست ترکیبی از pin سنجاق و علاقه interest است. یک تابلوی اعلانات که به راحتی می‌توان تمامی محتوای چندرسانه‌ای را در آن سنجاق کرد. برای نام‌نویسی در این وبسایت تنها داشتن ایمیل کافی است. بنابراین، همه افراد از جمله دبیران هنر می‌توانند نمونه آثار هنری دانش‌آموزان و فعالیت‌های آن‌ها را به صورت نمایشگاهی آنلاین در معرض دید قرار دهند. اهداف پینترست با آرت‌سونیا و سی‌سا متفاوت است. آرت‌سونیا به‌طور تخصصی مربوط به پورتفولیو و آثار هنری دانش‌آموزان طراحی شده است. سی‌سا متعلق به امور آموزشی و پرورشی در تمامی شاخه‌های تحصیلی است؛ اما پینترست در انواع شاخه‌ها هنری، خلاقیت، هنر بومی و غیره فعالیت دارد و دسترسی برای عموم آزاد است. تعریف نقش معلم، والدین و دانش‌آموز مانند وبگاه آرت‌سونیا و سی‌سا در پینترست صورت نگرفته است و افراد می‌توانند بدون تعریف نقش، آثار خود را بارگذاری و در معرض دید عموم قرار دهند. (تصویر ۹)

منابع

[https:// theartofeducation. edu/](https://theartofeducation.edu/)

<https:// www.artsonia. com/>

[www. pinterest. com](http:// www. pinterest. com)

<http:// web. seesaw. me>

پس از اینکه معلم دانش‌آموزان را به حساب خود اضافه کرد فضایی برای برقراری ارتباط با دانش‌آموزان به صورت فردی و گروهی و همچنین خانواده دانش‌آموز فراهم می‌شود. بایگانی فعالیت‌های کلاسی در حساب کاربری معلم ثبت می‌شود و امکان تبادل و دریافت بازخورد معلم برای والدین وجود دارد. وبگاه سی‌سا به‌طور گسترده به موضوعات مختلف درسی، مشاوره تحصیلی و چالش‌های آموزشی می‌پردازد؛ اما امکان دسترسی بدون داشتن حساب کاربری و خارج از نقش دانش‌آموز، معلم و خانواده وجود ندارد. تعامل و بهره‌مندی از وبگاه در سه حلقه دانش‌آموز، معلم والدین صورت می‌گیرد.

Pinterest www.pinterest.com

به احتمال زیاد شما نام پینترست را زیاد شنیده‌اید. پینترست، شبکه‌ای اجتماعی است که تمام مردم دنیا می‌توانند علایق، نمونه آثار هنری، و تمام فعالیت‌های خلاقانه خود را در این شبکه بارگذاری یا سنجاق

تجسم سخت کوشی در هنر!

• استاد از خودتان بگویید؟

○ من متولد یازدهم آبان ۱۳۳۵ در سنندج هستم. از بین سه فرزند خانواده فرزند دوم بودم. متولد و بزرگ‌شده محله «جورآباد» سنندج هستم. در آن زمان بچه‌های فقیر، غنی و متوسط از لحاظ مالی با هم درس می‌خواندند. این موضوع نقطه قوت آموزش و پرورش زمان ما بود. اتفاق دیگری هم که می‌افتاد این بود که مدرسه به بچه‌های قشر فقیر، هر سال یک دست کت و شلوار می‌داد. این کار خوبی بود؛ اما نکته منفی آن یک‌رنگ بودن همه کت و شلوارها بود. بنابراین در همه جای شهر آن بچه شناسایی می‌شدند و مردم می‌فهمیدند که فلان بچه از قشر فقیر است.

گفت و گو با

استاد هادی ضیاءالدینی
طراح، نقاش و مجسمه‌ساز

گفت و گو: سردبیر



اشاره

شنیدن نام استاد هادی ضیاءالدینی برای اهالی هنرهای تجسمی و مجسمه‌سازی تداعی نیم‌قرن تلاش و پشتکار برای هنرآفرینی است. اینکه استمرار در کار هنری با هنرمند همزاد شده باشد، اتفاق نادر و بسیار مهمی است. استاد ضیاءالدینی در سال ۱۳۹۸ نمایشگاهی از آثار نقاشی، طراحی و مجسمه و تندیس خود را در فرهنگستان هنر (مؤسسه صبا) برگزار کرد. وسعت زیاد و خیره‌کننده نمایشگاه حاکی از آن بود که این استاد هنرمند لحظه‌ای از عمر گرانقدر خود را بی‌حاصل سپری نکرده است. نمایش بیش از ۴۰۰ اثر هنری بزرگ و متوسط و کوچک پیامی مستقیم و غیرمستقیم برای اهل هنر و به‌ویژه دبیران هنر داشت و آن کار و کار و کار بود. در سفر به سنندج دیدار کوتاهی با این استاد گرامی دست داد که حاصل آن گفت و گوی کوتاهی با ایشان بود که شما را به مطالعه متن آن دعوت می‌کنیم.



با اینکه آن زمان زنان باسواد کم بودند اما مادر من تحصیل کرده بود؛ هر چند تا مقاطع پایین. با این حال با زبان فرانسه حدوداً آشنایی داشت. پدرم جمیل ضیاءالدینی در آموزش و پرورش بودند و فرهنگی به حساب می‌آمدند. خودشان و چندین نسل قبلشان از شعرای کرد بودند. پدرم انسان عارف مسلک و متواضعی بود.

● شاعر مسلکی پدر و سطح سواد مادر در شما چه اثری گذاشت؟

○ قطعاً چنین انسان‌هایی نظیر مادر و پدر من، می‌دانند چگونه بچه‌شان را تربیت کنند تا آینده خوبی داشته باشد.

● استاد، درباره اهمیت طراحی بگوئید.

○ اول بگویم که تأکید اهمیت طراحی، به خاطر خوب کشیدن محیط و یا سوژه نیست. طراحی دو حسن دارد. یکی اینکه انجام دادن آن زمان بر نیست. دوم اینکه فاصله بین خود طراحی و موضوع طراحی شده از هم خیلی کم است. بنابراین تمرینات زیاد و مکرر چشم انسان را تربیت می‌کند. در کل چشم طراح هنرهای تجسمی به لحاظ نگاه و زاویه دید باید چشم متفاوتی باشد. طراحی و تمرین هر چه بیشتر آن باعث این تفاوت می‌شود.

مزیت زیبایی‌شناختی اجزای مجسمه‌سازی، قدرت، حس کار، شناخت آناتومی و ... است. اگر هنرجو قبل از ورود به مجسمه‌سازی بر هنر طراحی تسلط داشته باشد، در مجسمه‌سازی پیشرفت شگرفی خواهد کرد. مثلاً اگر کسی طراحی و نقاشی را کار کند و بعد وارد هنر مجسمه‌سازی شود گویی ۵۰ درصد آن مسیر را طی کرده است.

۲۵ سال پیش یکی از شاگردان من در فرانسه در رشته انیمیشن جایزه گرفت. می‌گفت دلیل موفقیت او این بود که طراحی‌اش خیلی خوب بود.

● برای موفقیت در طراحی چه باید کرد؟

○ باید آن قدر کار کنید تا خسته شوید؛ حتی برای اینکه خستگی‌تان در بیاید هم دوباره کار کنید.



● توصیه شما به دبیران هنر چیست؟

○ مهم‌ترین ویژگی داشتن تعهد است. اگر افرادی پیدا شوند که دارای تعهد و وطن‌پرستی باشند به آن‌ها توصیه می‌کنم که برنامه‌ریزی کنند و برنامه‌های شخصی‌شان را نسبت به تدریس هنر داشته باشند. با این کار نوآوری و پیشرفت حاصل می‌شود. معلمان باید تفاوت هر شاگرد با شاگرد دیگر را در آموزش در نظر بگیرند. درک و فهم دبیر هنر نسبت به مسئولیتی که

دارد و تأثیری که روی دیگر انسان‌ها می‌گذارد، بسیار مهم است.

● دوره‌های هنری‌ای که خودتان گذرانده‌اید را چگونه توصیف می‌کنید؟

○ ویژگی‌های خاصی در دوره کاری من نبود. ولی من یک فرقی با خیلی از عزیزان همکارم دارم. تغییر در کار برای من از روی تصمیم‌گیری نیست. به‌صورت طبیعی و ذاتی جلو می‌روم. مود زمان برای من اهمیتی ندارد. روال هنر من آن بوده که خودم زیاد کار می‌کردم و اگر قسمت بوده که به خدمت کسی برسم سعی کردم از او یاد بگیرم.

● منابع الهام شما چه بوده است؟

○ من از بچگی به‌صورت ناخودآگاه نسبت به محیط خود و اتفاقاتی که می‌افتاد واکنش نشان می‌دادم. من در بچگی، در محله خودمان، دوستانم و اتفاقاتی را که می‌افتاد یا می‌شنیدم به تصویر در می‌آوردیم. این نوع نگاه من الان هم ادامه دارد. به خاطر کار هنری هیچ تفاوتی بین خودم و دیگران حس نمی‌کنم. نه برتری و نه تکبر. در نتیجه کنار مردم هستم. یکی از منابع الهام من همزیستی با مردم و شرایط اجتماعی و سیاسی کشور و ... است.

● ما آثار و تندیس‌های بسیار

زیبایی از شما می‌بینیم. مراحل طراحی ایده تا به نتیجه رسیدن آن چیست؟

○ ابتدا به واسطه اتفاقات اطراف محتوا و موضوع مشخصی به ذهن خطور می‌کند. البته این را هر کسی می‌تواند بگوید. اما وظیفه هنرمند آن است که موضوع را تجسم و تبدیل به یک فضای زیبایی‌شناختی بکند. این سخت‌ترین مرحله کار هنری است که به آن ایماژ می‌گویند. کیفیت این مرحله است که درجه و ارزش هنری و استعداد هنرمند را تعیین می‌کند.

● هر چند زمان گفت‌وگو به

خاطر کمبود وقت شما محدود بود

اما امیدوارم در فرصت‌های آتی

گفت‌وگوی مفصل‌تری داشته باشیم.



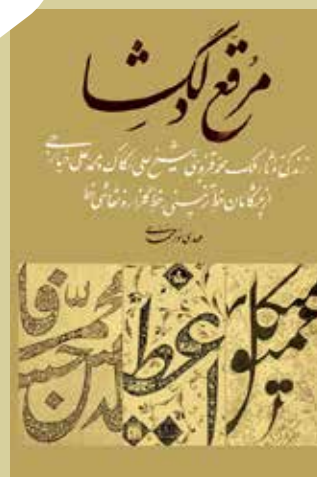
کیانا تیموری

کتاب برای شایسته‌دلها

ملک محمد قزوینی، شیخ
علی سکاک و محمدعلی
خیار جی پرداخته، که
در جریان این تحقیق،
دو خوشنویس دیگر در
عرصه خط تزئینی به
نام‌های عبدالحسین قزوینی و
محمدطاهر قزوینی نیز معرفی
شده‌اند.

در مقدمه کتاب می‌خوانیم که: «وجود
این پنج هنرمند تأکیدی است بر این نکته که قزوین از عصر
قاجار تا اوایل پهلوی، یکی از کانون‌های مهم خلق خطوط
تزئینی، گلزار و تفننی بوده و نقش و تأثیر ملک محمد
قزوینی به‌عنوان عنصری جریان‌ساز در این شهر به‌خوبی
مشهود و غیرقابل‌انکار است.»

این کتاب می‌تواند راهنمای خوبی برای آن عده از
دبیران هنری باشد که علاقه دارند دانش‌آموزان خود را با
الگوهای برتر در حوزه‌های مختلف خوشنویسی آشنا کنند.
درواقع برای درک یک هنر نیاز است که هنرجو کسانی را
که پیش از او قدم در این عرصه نهاده‌اند بشناسد و تلاش و
پشتکارشان را در خلق آثاری ارزنده ببیند تا مسیر خود را
با سرمشق گرفتن از آنان دنبال کند و بی‌راهه نرود. با توجه
به اینکه ملک محمد قزوینی، شیخ علی سکاک و محمدعلی
خیار جی هر سه علاوه بر خط و خوشنویسی دستی در
هنر طراحی و نقاشی نیز داشته‌اند، آنچه که در آثار این
هنرمندان بیشتر به چشم می‌خورد ابتکاراتی است که
آمیخته کردن خط، طراحی و نقاشی در خلق قطعات به‌کار



**کتاب مرع دلگشا اثر مهدی نورمحمدی، شرح
زندگی و آثار سه تن از خوشنویسان نامدار قزوین در
دوره قاجار است. این کتاب به کوشش انتشارات پیکره
در ۱۱۲ صفحه، با قطع رحلی و جلد گالینگور در ابعاد
۲۹×۲۲ سانتی‌متر چاپ شده است.**

قزوین همواره از شهرهای مطرح در حوزه هنر خوشنویسی
به‌شمار می‌رفته و در طول تاریخ خوشنویسان بزرگی را در دل خود
پرورانده است که معروف‌ترین آن‌ها نابغه بزرگ خط نستعلیق
میرعماد سیفی حسنی است. اما تعدادی از این خوشنویسان
علی‌رغم آفرینش آثاری ارزشمند و تلاش شایسته در حوزه
هنر، در گمنامی باقی مانده‌اند و به‌درستی به جامعه
خوشنویسی معرفی نشده‌اند.

مؤلف کتاب، مهدی نورمحمدی، در این اثر
تلاش کرده است با معرفی برخی از این
هنرمندان گمنام، گامی در جهت خدمت
به جامعه هنری کشور بردارد. وی
در این کتاب از جمله به
پژوهش حول آثار
و زندگی



برده‌اند و همچنین از شیوه‌های نوین برای پدید آوردن جریان تازه‌ای در خوشنویسی استفاده کرده‌اند. برای مثال ملک محمد مبتکر نوعی خط تزئینی به‌شمار می‌رود. او در این ابتکار خود با حفظ اصالت هنر و سنت ایرانی-اسلامی، آثاری خلق کرده که با وجود مضمون‌های تکراری در آن از لحاظ شیوه و تکنیک منحصر به فرد است. به‌طور کلی، این هنرمندان در آثار خود با خلاقیت و الهام از نقوش اسلیمی، ختایی و کوفی، به تصویرسازی مناسب و ایجاد حرکت و ابتکار پرداخته‌اند؛ از همین روست که آنان را جزو پیشگامان هنر **نقاشیخط** و گرافیک در ایران می‌دانند.

هنر جویانی که علاقه‌مند به خط‌های تزئینی، گلزار، **نقاشیخط**، فانتزی، هنرهای گرافیکی و ... هستند در مقاطع مختلف، با بررسی و تجزیه و تحلیل این کتاب و مشاهده دقیق آثار به نتایج کاربردی و مؤثری در زمینه هنری‌شان خواهند رسید. دانش‌آموزان نیز با الگوبرداری درست از شیوه‌ها و تکنیک‌های به کار برده شده در قطعات این کتاب، می‌توانند به ایده‌های تازه برسند و بعد از تمرین و کسب مهارت به کمک دبیران هنر، با پیاده‌سازی این ایده‌ها، جلوه تازه‌ای به آثار هنری‌شان ببخشند.

نورمحمدی تصاویر بیشتر آثار و قطعات خوشنویسان نام‌برده را به بهترین شکل ممکن و با کیفیت بالا در کتاب گنجانده است. این ذوق و سلیقه در چینش آثار به همراه شناسنامه هر یک از قطعات، مطالعه کتاب را برای قشر دانش‌آموزان دلپذیرتر کرده است. در این کتاب برای نخستین بار عکس‌های باکیفیتی از کتیبه آب‌انبار مسجد و مدرسه مولودری خان که از آثار ملک محمد است به‌طور کامل به چاپ رسیده است. این کار از آن جهت ارزشمند است که در دهه ۸۰ خورشیدی دو قطعه از این کتیبه متأسفانه به سرقت رفت، لذا مسئولان امر برای جلوگیری از تکرار چنین حادثه‌ای تمام کتیبه را با جوش دادن ورقه‌های آهن پوشاندند. به همین دلیل چون امکان عکس‌برداری از کتیبه برای نگارنده میسر نبوده، با پیگیری فراوان عکس‌های کاملش را یافته و در کتاب قرار داده است.

دبیران هنر با مطالعه دقیق این کتاب می‌توانند به فرآیند شکل‌گیری جریان‌های گوناگون خط پی ببرند و برای شرح تاریخ هنر خوشنویسی، **نقاشیخط** و ... از مطالب معتبر آن استفاده کنند. مضافاً که مؤلف با تحلیل آثار هر یک از خوشنویسان به مطالبی خواندنی از روحیات و رفتار این هنرمندان رسیده است. نورمحمدی با مطالعه عبارات به کار رفته در قطعات به اطلاعاتی در زمینه شرایط زندگی و معیشتی این هنرمندان دست یافته و فهمیده است که تا چه حد آنان برای هنرشان با وجود سختی‌ها و مشکلات راه، احترام قائل بوده‌اند.

برای مثال در قسمتی از کتاب آمده است: ... نوشتن عباراتی همچون «آخر خوشنویسی، اول گدایی»، «رو سیه خوشنویس»، «روسپاه ملک محمد»، «هستم فقیر و بینوا در شهر قزوین» و ... در زیرنویس خطوط، مشخص می‌کند که ملک محمد نیز مانند بسیاری از هنرمندان در عصر خود، از لحاظ معیشت در تنگنا و در نتیجه شرم‌نده اهل و عیال بوده است ...

بنابراین دبیران هنر می‌توانند تصاویر کتاب را به‌صورت جداگانه در قالب پاورپوینت در کلاس درس برای بچه‌ها نمایش دهند، چرا که مشاهده آن‌ها به بارور شدن ذوق و سلیقه دانش‌آموز کمک خواهد کرد.

این نمونه تحلیل‌ها توجه و دقت مخاطبان را نسبت به جزئیات

و ظرافت‌های آثار بیشتر می‌کند و به آن‌ها می‌آموزد که در مشاهده کارهای هنری تا چه اندازه می‌توان دقیق بود. بنابراین مطالعه این اثر فن تحقیق و پژوهش را به‌طور غیرمستقیم به دانش‌آموزان نشان می‌دهد. این نکته از این رو حائز اهمیت است که امروزه مفهوم کار پژوهشی در میان دانش‌آموزان به‌درستی معنا نشده و چه خوب است که از همان نوجوانی، بچه‌ها را به درک درستی از تحقیق کردن برسانیم.

همچنین این کتاب منبع خوبی برای جهت دادن به دانش‌آموزان مستعد و پویا در زمینه پژوهش‌های هنری است، به‌ویژه که زبان کتاب ساده و گویاست.

در این کتاب به فعالیت‌هایی که هنرمندان علاوه بر خوشنویسی به آن مشغول بوده‌اند نیز پرداخته شده است. برای مثال، شیخ علی سکاک علاوه بر خوشنویسی از چهره‌های مهم و مؤثر در امر تعلیم و تربیت قزوین نیز به‌شمار می‌رفته است. از شاگردان او عارف قزوینی است که در دیوان خود به تأثیر هنر شیخ علی سکاک و چندجانبه بودن او در کلاس درس اشاره کرده و استادش را به مجسمه‌صنعتی تشبیه می‌کند. عارف قزوینی در ادامه می‌گوید که برای توصیف شیخ علی سکاک نیاز به نوشتن کتابی خواهد بود. همین موضوع می‌تواند گویای آن باشد که تأثیر هنر در همه اعصار و قرون بر تعلیم و تربیت از طفولیت تا سنین بالاتر، تا چه اندازه برجسته و مهم بوده است.

در این کتاب به نکات اخلاقی و فضایل این استادان خوشنویسی تا به آنجا که اطلاعات در دست بوده اشاره شده است و همین می‌تواند یادآور خوبی باشد برای بازگویی ارزش‌های اخلاقی و دینی کم‌رنگ‌شده در میان نوجوانان و جوانان امروزی. هنرمندان جوان با مطالعه مرقع دلگشا با خوشنویسانی آشنا خواهند شد که در عین تنگدستی و با وجود قدرشناسی مردم زمانه خویش، چگونه در کمال بی‌آزاری، با ایمانی راسخ به خدا، خود را وقف هنر می‌کردند. چیزی که شاید در عصر کنونی کمتر شاهد آن هستیم.

با خواندن این کتاب و معرفی آن در مدارس می‌توان دانش‌آموزان را به سوی پویایی و تلاش بیشتر هدایت کرد، به‌علاوه شناختن چنین هنرمندانی، شاید بتواند موجب طلوع درخشان‌تری در جامعه هنری ایران شود.



طرح فعالیت هنری
برای نمایش خلاق
به صورت برخط (آنلاین)

چگونه نمایش خلاق را به خانه بیاوریم

لیلا بیگوند

کارشناس نمایش و مربی نمایش خلاق
با همکاری کیومرث سلطانی اهری
کارشناس آموزش هنر به کودکان



می آورد. ممکن است ده ها راه خلاقانه پیشنهاد شود و پایان های متفاوتی برای یک نمایش داشته باشیم. اما رسیدن به تمام این اجزا در فضای مجازی کار بسیار سختی است، چرا که مشارکت دادن کودک در زمان انجام فعالیت، تسهیلگری درست و به موقع و از همه مهم تر ایجاد جذابیت در هدف انتخابی برای نگه داشتن کودک پشت تلفن همراه، تبلت یا کامپیوتر برای مدت زمان ۳۰ تا ۴۵ دقیقه کار به مراتب سختی بود.

من فعالیت های نمایش خلاق را برای ۱۵۷ دانش آموز در شهر تهران و در رده سنی ۷ تا ۹ سال در گروه های ۱۰ تا ۱۲ نفره اجرا کردم. این تجربه در محیط ارتباطی اسکای روم و در سه پایه اول، دوم و سوم دبستان انجام شد و بازخوردهای بسیار خوبی داشت. در ادامه نمونه ای از یک طرح فعالیت هنری برای نمایش خلاق جهت استفاده احتمالی مخاطبان و علاقمندان تقدیم می شود.

از ابتدای شیوع همه گیری ویروس کرونا (Covid ۱۹) همه ما خانه نشینی را به اجبار برگزیدیم تا آنجا که تنها راه ارتباطی بین ما و دانش آموزان استفاده از اپلیکیشن ها و نرم افزارهای مجازی بود. همه ما با موقعیتی جدید روبه رو شدیم. پا به دنیای جدیدی گذاشتیم و در این راه تجربیات نابی را به دست آوردیم و همچنان آینده نامعلومی پیش رو داریم. با توجه به اینکه هنر می تواند جای خالی خیلی از چیزها را در دوران خانه نشینی برای ما و کودکانمان پر کند، من در خانه شروع به نوشتن طرح درس هایی به شکل بازی های هدفمند، بازی های نمایشی، و انمودی همراه والدین و انجام کارهای تجسمی مرتبط با هدف کردم و این طرح درس ها را در گروه های هر پایه بارگذاری کردم. گروهی از بچه ها فایل ها را باز می کردند و بعد از مطالعه انجام می دادند. گروهی دیگر از بچه ها و خانواده ها بودند که تمایلی به انجام این فعالیت ها نداشتند. از این رو در مرحله بعد فعالیت هایی را به صورت تصویری ارسال کردم. در این میان متوجه شدم که بچه ها تمایل بیشتری برای انجام فعالیت از خود نشان دادند. با استفاده از اپلیکیشن کلاسگرام و اسکای روم ارتباط من با بچه ها بیشتر شد و حالا می توانستم تصویر و صدا را همزمان به صورت دوطرفه داشته باشم.

وقت آن بود که از نمایش خلاق استفاده کنم. از آنجایی که نمایش خلاق جریانی هدفمند است و مخاطب (کودک) با مشارکت در روند نمایش به وسیله بداهه پردازی یک نقش را بازی می کند و پیشنهادهايش را در کمال سادگی زیر نظر تسهیلگر به اجرا در

چگونگی رسیدن به این ایده
از قبل می دانستم که در هر نوبت چند دانش آموز با من در این مسیر همراه خواهند شد. به همین دلیل به تعداد بچه ها روی مقوا، تصویر پسرچه هایی به شکل های متفاوت کشیدم و دور آن ها را با چغی بریدم. هر بار که یکی از دانش آموزان را روی صفحه کامپیوتر می آوردم یکی از این پسرچه های مقوایی را به جای آن ها حرکت می دادم، احوال پرسی می کردم و دانش آموز را همراه چمدانی خیالی



خلاقیت برای

پیک نیک با اتوبوس

هدف:

بروز خلاقیت (زمانی که بچه‌ها ایده‌های خلاقانه برای رفع چالش پیشنهاد می‌دهند)
بیان احساس و عواطف و افکار
(وقتی در مورد راه حل صحبت می‌کنند و یا با بدن خود تقلید حرکت می‌کنند)
رشد حواس زیبایی‌شناختی
(همراهی حرکت با موسیقی)

وسایل لازم:

کاغذ سفید، هر وسیله‌ای که برای رنگ‌آمیزی در دسترس باشد.

روش اجرا:

تسهیلگر موسیقی را پخش کرده و به بچه‌ها می‌گوید: در ذهن خود تصور کنید قرار است سوار وسیله‌ای شوید که من به شما می‌گویم. هر جا موسیقی قطع شد، بی حرکت شوید. من ممکن است یکی از شما را انتخاب و تصویرش را باز کنم تا همه ببینند. بچه‌ها! سعی کنید حرکتی که انجام می‌دهید با موسیقی هماهنگ باشد.

چند نمونه ایده برای اجرای مرحله اول یا گرم کردن اولیه:

- بچه‌ها همه با هم سوار اسب شویم
- اسبی که سوار شدید خیلی تند می‌رود؛
- اسب که سوار شدید از روی مانع می‌پرد؛
- دهانه اسب را بکشید، اسب شیبه می‌کشد

جوش می‌آورد. تمام این اتفاقات چالش‌هایی بود که در مسیر رفتن به پیک‌نیک برای بچه‌ها طراحی کردم و سپس از آن‌ها خواستم راه حلی را برای گذشتن از این چالش‌ها به من بگویند. گفتم نگاهی به چمدان‌هایشان بیندازند و ببینند چه چیز به درد بخوری همراه آورده‌اند تا به من بدهند. در اینجا چمدان، همان تخیلات کودک است. محتویات چمدان هر کودک، از لحاظ ذهنی به او کمک می‌کند تا با تخیلاتش ارتباط منطقی پیدا کند.

خلاصه فعالیت

در این فعالیت مربی با اتوبوس خود بچه‌ها را به یک گردش خیالی می‌برد. از آنجایی که اتوبوس مربی قراضه است در طی مسیر دچار مشکل‌هایی می‌شود. مربی هر بار از کودکان درخواست می‌کند تا راهی پیشنهاد دهند که بشود مشکل را برطرف کرد. این فعالیت در قالب نمایش خلاق و به صورت برخط (آنلاین) برگزار می‌شود.



سوار بر اتوبوس می‌کردم. حالا چرا از چمدان استفاده کردم؟ در طول مسیر خیالی که من و بچه‌ها به پیک‌نیک می‌رفتیم، اتفاقاتی برای اتوبوس می‌افتاد. مثلاً: لاستیک پنجر می‌شد و من به عنوان راننده، جک و زاپاس نداشتم؛ باران می‌گرفت و برف پاک‌کن ماشین خراب می‌شد؛ نقشه راه را اشتباهی خوانده بودم و در جاده بیراهه به یک دره عمیق می‌رسیدیم؛ به ترافیک می‌خوردیم و ماشین



● بچه‌ها همه با هم سوار هواپیما شویم
- الان شما خلبان هواپیما هستید و قرار
است هواپیما را به پرواز در بیاوریم؛
- تو چاله هوایی افتادیم؛
- همه با هم دور می‌زنیم؛
- همه با هم فرود می‌آییم. دکمه باز
شدن چرخ‌ها را بزنید؛

● بچه‌ها همه با هم سوار دوچرخه بشیم
- پا بزنید؛
- تک چرخ بزنید؛
- بی‌دست دوچرخه‌سواری کنید؛
- ایستاده دوچرخه‌سواری کنید.
مربی روی حرکت هماهنگ با موسیقی
تأکید می‌کند و همزمان بچه‌ها را روی
صفحه مانیتور انتخاب می‌کند.
در مرحله دوم به دانش‌آموزان می‌گوییم:
بچه‌ها! باید تو خیالمون با هم بریم به یک
پیک نیک. اما قبل از رفتن باید چمدانم
را ببندم. بچه‌ها شما هم چمدان‌هایتان را
ببندید. من میام دنبالتون با هم بریم یک
جای خوب. صبر کنید من یک اتوبوس
دارم با اون میام دنبالتون.
(تسهیلگر اتوبوسی را که از قبل روی
مقوا بریده شده است حرکت می‌دهد.
بچه‌ها را یکی‌یکی روی صفحه می‌آورد و با
آن‌ها صحبت می‌کند. هر یک جایی برای
خود در اتوبوس انتخاب می‌کنند).
تسهیلگر بچه‌ها را تک‌تک سوار
می‌کند تصویر یک آدمک که از قبل تهیه
شده است را به اتوبوس اضافه می‌کند.
برخی را داخل پنجره‌ها می‌چسباند،
برخی را به خاطر کم بودن صندلی
می‌گذارد روی سقف اتوبوس و با بچه‌ها
ارتباط برقرار می‌کند و حال و احوال آن‌ها
را می‌پرسد. سؤال می‌کند چمدان‌هایتان
را آوردید؟

تسهیلگر چند چالش پیش روی بچه‌ها
می‌گذارد و می‌گوید: اتوبوس من خیلی
تند می‌رود از پدر بزرگم به من ارث رسیده
است، چه جاهایی که با این اتوبوس نرفته‌ام.
(در همان حال اتوبوس پنجر می‌شود)
۱. بچه‌ها زاپاس نداریم حالا چه جوری
با اتوبوس ادامه بدیم؟

اجازه دهیم دانش‌آموزان بارش
فکری داشته باشند. از همه ایده‌ها
استقبال کنیم و یکی را اجرا کنیم.
برای ایده‌ها ارزش‌گذاری نکنیم. (این
ایده خوب است، این یکی بد است)
اگر کسی پیشنهاد داشت، روی آن
پیشنهاد کار کنیم، اما اگر کسی
پیشنهادی نداشت، تسهیلگر پیشنهاد
دهد. مثلاً بگوید بچه‌ها من یک تشک
بادی داخل چمدانم دارم. بیایید این
ایده را اجرا کنیم.

بچه‌ها! یک نفس عمیق بکشید و
بعد فوت کنید تا این تشک بادی را
پر کنیم. (بچه‌ها با میمیک صورت و
حرکت بدن‌تون نشون بدید تشک را
دارید باد می‌زنید. حالا همه تشک
بشید من می‌خوام بادتون کنم، بچه‌ها
نشون بدید که دارید باد می‌شید)
- تشک را به لحظه ترکیدن برسانیم؛
- بادش را کمی خالی کنیم.

خب این تشک نمی‌تواند جای
لاستیک را بگیرد اما می‌توانیم آن
را به جای جک زیر اتوبوس قرار
دهیم تا لاستیک را در بیاوریم. حالا
به جای لاستیک چه چیز می‌توانیم
بگذاریم؟ من لاستیک زاپاس ندارم.
بچه‌ها کسی چیزی آورده؟ یک
نگاهی به چمدان‌هایتان ببندازید.
یکی یکی تصویر بچه‌ها را روی
صفحه بیاورید از آن‌ها بخواهید داخل
چمدان‌هایشان را نگاهی ببندازند.
در این زمان، بچه‌ها وسایل خیالی
از چمدان‌هایشان درمی‌آورند و برای
کمک به شما خواهند داد. تسهیلگر
این وسایل را با نزدیک کردن دستش
به دوربین و وانمود کردن گرفتن
وسيله و نقش بازی کردن از هر یک
از بچه‌ها می‌گیرد. بعد از درست
کردن چرخ، اتوبوس به حرکت خود
ادامه می‌دهد. وقت آن است که با
ایجاد چالشی جدید برای اتوبوس
کودک را در موقعیت تفکر خلاق

دیگری قرار دهیم.

۲. هوا ابری شده است. تسهیلگر
تصویر ابرهایی را نشان می‌دهد که به
هم می‌خورند. تقلید صدای رعدوبرق.
بچه‌ها! باد از کدام پنجره می‌آید
داخل؟ من سردم شده است. فلانی!
پنجره شما باز است؟ ببند پنجره را.
فکر کنم آن پنجره خراب شده است
و هیچ کس به جز من نمی‌تواند آن
را ببندد. فلانی بیا فرمون را بگیر تا
من بروم پنجره را ببندم. (مربی از
تصویر بیرون می‌رود و بعد از چند
ثانیه برمی‌گردد) بچه‌ها پنجره بسته
نمی‌شود. هوا هم خیلی سرد شده
است. صبر کنید اتوبوس را نگه دارم.
بچه‌هایی که روی سقف اتوبوس سوار
شده‌اید بیایید داخل اتوبوس. راستی
بچه‌ها چیزی داخل چمدان‌هایتان
دارید که این پنجره را درست کنم؟
اگر بچه‌ها پیشنهادهای خوبی
ندادند تسهیلگر می‌تواند بگوید: من
یک عالمه آدامس خرسی آورده‌ام همه
بجوییم. بادش کنیم، به هم بچسبانیم
و جلو باد رو بگیریم. (در اینجا کودک
به فکر می‌افتد که او نیز پیشنهادهای
عجیب بدهد؛ و این همان چیزی که ما
در نمایش خلاق به دنبال آن هستیم.
تولید فکری خلاق، حرکت، صدا و در
نهایت داستان‌سازی) رفتارهای زیر را
تسهیلگر می‌تواند پیشنهاد دهد و بگوید:
بچه‌ها بیاید با هم این راه حل را انجام
بدیم.

- ادای آدامس جوییدن؛
- تقلید باد کردن؛
- تقلید ترکیدن آدامس؛
- تقلید کش آمدن آدامس؛



برسد، و چه بسا بعد از نمایش روزها فکر و ذهن کودک را مشغول کند. نتیجه: فعالیت نمایش خلاق برای بچه‌ها بسیار شیرین و دوست‌داشتنی بود. آن‌ها در دیدار بعدی که به شکل آنلاین داشتیم، می‌خواستند دوباره این نمایش را اجرا کنیم. چرا که به راه‌حل‌های جدیدی برای چالش‌ها، دست پیدا کرده بودند. گویی همچنان به دنبال اتوبوس قرمز رنگ پر از ایراد و اشکال در خیالشان می‌گردند. نمایش خلاق را می‌توان در این روزهای قرنطینه به خانه‌ها برد و دنیای خیالی کودک را پررنگ‌تر از همیشه کرد.

پیشنهادهای

- بهتر است یک نیروی کمکی مثل معلم کلاس، در زمانی که شما مشغول انجام حرکات نمایشی هستید، یکی یکی به بچه‌ها صدا و تصویر دهد. با آمدن تصویر و صدای هر دانش‌آموز شوقی در بقیه ایجاد می‌شود و در انتظار خواهند بود تصویر آن‌ها روی صفحه مانیتور بیاید تا حرکاتشان را به دوستانشان نشان دهند.

- بهتر است بچه‌ها دستگاه‌های ارتباطی را در جایی ثابت و دورتر از خودشان قرار بدهند.

- بهتر است بچه‌هایی که می‌خواهند پیشنهاد دهند اعلام آمادگی کنند (تایپ کنند یا دستشان را بالا ببرند) تا یکی یکی نظر خود را در مورد چالش بیان کنند.

است و اگر کودکی تمایل به انجام آن نداشت به آرامی به او بگویید می‌توانی در فعالیت شرکت نکنی و ما را نگاه کنی. ممکن است کودک بعد از دقایقی به ما ملحق شود. گاهی ممکن است کودک به ما ملحق نشود اما تسهیلگر می‌تواند اسم او را حین اجرا بیاورد. برای مثال: امیر نشسته به ما نگاه می‌کند، یعنی فکر بهتری داره؟ کاری کنید کودک واکنشی نشان دهد، حرفی بزند یا با حرکات بدنش چیزی بگوید.

اگر کودک تمایلی نداشت در انتها از او بخواهید فعالیت‌ها را نقد کند. به خاطر داشته باشید همواره از سؤال‌هایی استفاده کنید که یک جواب نداشته باشد. مثلاً چه کارهایی می‌توانیم انجام بدهیم که از دره رد بشیم؟ انتقاد کردن از ایده‌هایی که کودکان می‌گویند کار درستی نیست. به عبارتی نباید ایده یکی را بر دیگری ترجیح داد. ممکن است بچه‌ها ایده‌های شبیه به هم بدهند. تسهیلگر می‌تواند آن‌ها را با هم ترکیب کند. مثلاً بگوید: ایده علی با ایده امیر شبیه به هم است فکر می‌کنید چطور می‌شود هر دو ایده را اجرا کرد؟ بعضی از ایده‌ها ممکن است بازی را تمام کند. گاهی بعضی از کودکان پیشنهادهای خطرناک می‌دهند.

برای مثال یکی می‌گوید: مواد آتش‌زا بذاریم زیر اتوبوس و اون رو روشن کنیم تا منفجر شود و اتوبوس از دره رد شود. در اینجا نباید به سرعت ایده را رد یا اجرا کنیم. بهتر است به آرامی بگویید اگر منفجر کنیم که کل اتوبوس می‌سوزد و به ما هم آسیب می‌رسد و پیک نمی‌تونیم بریم!

از آنجایی که ایجاد این‌گونه چالش در کودکان باعث تفکر و اگر می‌شود پس نمایش خلاق ما بیش از هزار راه خواهد داشت. این امر موجب می‌شود کودک با بیانگری تفکر در مورد چالش مورد نظر به ایده‌های خلاق



چسباندن آدامس‌ها به هم. دوباره اتوبوس را به حرکت در می‌آوریم. شروع به حرکت می‌کنیم که متوجه می‌شویم. ۳. برف پاک‌کن خراب شده است. حالا چه کار کنیم؟ داخل چمدان‌هایمان را بگردید یک ابزاری پیدا کنید. اگر بچه‌ها ایده‌ای ندادند، بگوییم بچه‌ها یک فکری! بیایید شیشه جلو اتوبوس را برداریم تا بتوانیم جاده را ببینیم. (ممکنه سردمون بشه ولی می‌تونیم جاده را ببینیم و به راهمون ادامه بدهیم و اگر بچه‌ها توافق کردند این کار را انجام دهیم). ۴. بچه‌ها دره تو راهمون نبود. فکر کنیم نقشه را اشتباه خوندیم. حالا چطوری از دره رد بشیم؟ ۵. وای! خوردیم به ترافیک. بچه‌ها دیرمون می‌شه. چطوری ترافیک را رد کنیم؟ کسی چیزی آورده تو چمدونش؟ ۶. ماشین جوش آورده و حرکت نمی‌کند. بیایین هولش بدیم بره کنار جاده. (سنگینه، تقلید هل دادن و زور زدن) بچه‌ها دیرمون شده، مامانان نگرانمون می‌شن. باید برگردیم؛ و بعد بچه‌ها را یکی یکی به خانه‌هایشان می‌بریم.

نکات مهم در تسهیلگری

در روند انجام نمایش، بچه‌ها نظر خود را در مورد چالش پیش آمده بیان می‌کنند تا به حل مسئله برسند. در نمایش خلاق، حضور کودک داوطلبانه





دو دهه با کاریکاتور

سید علی معراجی

متولد ۱۳۵۸ رشت

دانشجوی دکترای حکمت و هنرهای دینی (هنر و معماری باستان)

کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی (هنر و معماری) / کارشناسی هنرهای تجسمی
زهره مقامی فروغ



سوابق تدریس

- مدیر هنرستان کشاورزی جنت از سال ۱۳۹۷
- دبیر رسمی آموزش و پرورش در رشته‌های معماری و گرافیک، ۲۱ سال
- مدرس دانشگاه فرهنگیان تربیت معلم بنت‌الهدی صدر، گلسار رشت (کارشناسی گرافیک، امور تربیتی، آموزش ابتدایی) از سال ۱۳۸۱
- مدرس تربیت معلم امام علی (ع) رشت (آموزش ابتدایی) از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴
- مدرس انجمن هنرهای تجسمی شهرستان رودبار، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲
- مدرس انجمن کاریکاتور استان گیلان و رشت، از سال ۱۳۸۰
- مدرس تئاتر و نمایش در انجمن هنری آموزش و پرورش شهرستان رشت، ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸
- مدرس رسمی آموزش و پرورش در رشته‌های گرافیک و معماری هنرستان و پیش‌دانشگاهی، از سال ۱۳۷۶

کسب عناوین

- سرگروه هنر استان در پایه‌های مختلف تحصیلی در سازمان آموزش و پرورش استان گیلان، ۱۶ سال
- معلم و هنرآموز نمونه در آموزش و پرورش ناحیه ۲ رشت، ۱۳۹۴
- رئیس انجمن کاریکاتور استان گیلان، ۶ سال
- نایب‌رئیس انجمن کاریکاتور رشت، از ۱۳۸۴ به بعد

کسب مقام‌ها و رتبه‌ها

- نفر اول مسابقه بین‌المللی خاک و خون و سفر به کشورهای لبنان و سوریه به‌عنوان نخبگان ایران از سوی مجلس شورای اسلامی
- نفر اول مسابقات پرش مهر مرحله کشوری در رشته کاریکاتور - نفر اول الگوهای برتر تدریس در مرحله کشوری (زنجان) ۱۳۸۳
- کسب رتبه هشتم مسابقات بین‌المللی کشور ژاپن در سال ۱۹۹۶
- هنرمند تصویرگر برگزیده جشنواره ملی حقوق شهروندی، کاشان ۱۳۸۲

تألیفات و پژوهش

- مؤلف و تصویرگر کتاب مشترک ایران و ژاپن در خصوص پرندگان تالاب انزلی، ۱۳۹۲
- مؤلف کتاب طنز نی‌نی و لگردد، ۱۳۸۴



عالم بی عمل



مدیران میانی



عشق واقعی

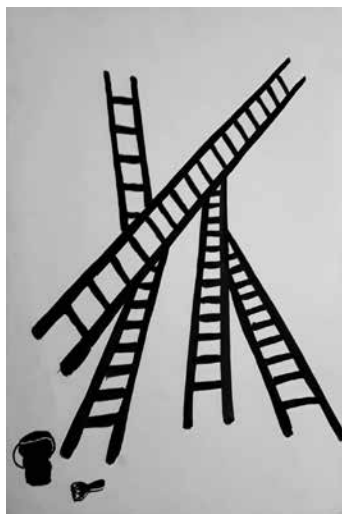
سازمان آموزش و پرورش
۵. طراح آرم نهاد دانش آموزان عشایر
استان گیلان
۶. طراح چندین آرم تبلیغاتی

فعالیت در زمینه فیلم سازی

۱. تولید ۵ فیلم مستند و ۵ فیلم
داستانی کوتاه
۲. بازیگر نقش اول سریال ۱۳ قسمتی
«ماه شب چهارده» تولید شده و پخش
از شبکه اول صدا و سیمای ایران
۱۳۸۴
۳. آموزش نقاشی از شبکه باران، ۳ روز
در هفته از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶
۴. تصویرگری برنامه داستان مصور از
شبکه باران برای دو سال متوالی

سوابق نمایشگاهی

● برپایی بیش از ۳۷ نمایشگاه انفرادی
در شهرهای مختلف ایران و خارج از
ایران
● شرکت در بیش از ۶۱ نمایشگاه
گروهی در ایران و خارج از ایران



معمار زندگی خودت باش

● مؤلف کتاب معماری سنتی گیلان،
۱۳۹۶
● مؤلف کتاب تزئینات در هنر و
معماری ایرانی، ۱۳۹۶
● مؤلف کتاب داستان روشا و ماهی،
۱۳۹۷
● مؤلف کتاب داستان فرفری تنبله،
۱۳۹۷
● مؤلف کتاب طراحی صفر تا صد،
۱۳۹۴
● مؤلف و تصویرگر کتاب حقوق
شهروندی، توزیع شده در تمام مدارس
استان گیلان، ۱۳۹۴

طرح آرم سازمانها و نهادها

۱. طراح آرم و نشان انجمن کاریکاتور
گیلان
۲. طراح آرم انجمن معلمان آموزش
ابتدایی استان گیلان
۳. طراح آرم گروه های آموزشی سازمان
آموزش و پرورش استان گیلان
۴. طراح آرم انجمن حمایتی
دانش آموزان بی بضاعت دانش آموزان



یاری گر



■ متولد ۱۳۴۹، مهدی شهر، بخش
شهمیرزاد، استان سمنان
■ لیسانس هنرهای تجسمی
■ سابقه ۳۰ سال تدریس در مدارس
شهمیرزاد و ساری
■ عضو انجمن خوشنویسان ساری
■ دارای مدرک فوق ممتاز
■ بهره‌گیری از تجربیات استادان
کیوان مصباحی، عبدالرضا اتحاد،
همایون حاج محمد حسینی،
محمد مهدی فرهنگی و سیدمرتضی



جعفری

■ شرکت در نمایشگاه‌های گروهی
سمنان، مهدی شهر، شهمیرزاد و ساری
■ دریافت لوح‌های تقدیر از ارگان‌های
مختلف

■ آماده‌سازی مجموعه‌ای تحت عنوان
سی غزل، سی چلیپا شامل اشعار و
دلنوشته‌های شخصی

■ فعالیت در حوزه ساخت کلیپ‌های
هنری فرهنگی و اجتماعی و دکلمه
اشعار در صدای مرکز مازندران

غلامرضا محمد
۱۸

زهره مقامی فروغ



معرفی چند هنرمند صاحب سبک در عکاسی به بیانی دیگر



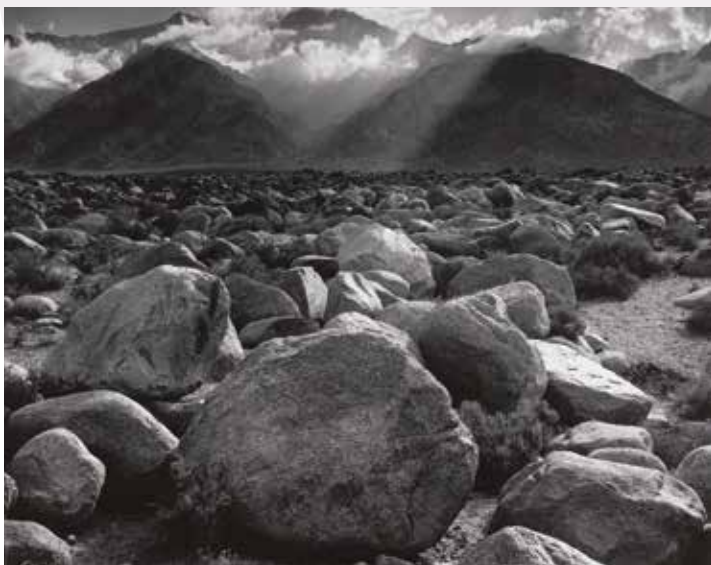
اعظم لاریجانی

سبک (style) روشی است که هنرمند موضوع مورد نظرش را به تصویر می کشد و شیوه‌ای که دیدگاه خود را بیان می کند. در واقع یک ویژگی مشترک و مکرر در آثار یک هنرمند سبک او را تعریف می کند. این ویژگی‌ها در استفاده عکاس از فرم، رنگ، موضوع خاص، تکنیک ویژه، زاویه عکسبرداری، استفاده از لنز ویژه و ... به ظهور می رسد. در آثار عکاسان صاحب سبک یک تداوم منسجم به چشم می خورد. به طوری که کارشان فوراً قابل تشخیص است. سبک‌ها عموماً حاصل شرایط خاص و انتخاب هوشمندانه هنرمند است. سبک حاصل فرایندی است که در آن تاریخ هنر و شرایط خاص در آن شرکت داشته است. برگزیدن سبک ترکیبی از انتخاب‌های متفاوت از سوژه، ابزار و ارائه است. در این مجال به معرفی چند عکاس که شیوه بیان منحصر به فرد خود را داشتند می پردازیم:



این گروه متشکل از چند عکاس جوان از جمله ادوارد وستون، انسل آدامز و ایموجن کانینگم بود که برای تهیه عکس‌هایشان از تنگ‌ترین روزنه دیافراگم یعنی دیافراگم ۶۴ استفاده می کردند. نتیجه این کار ایجاد عکس‌هایی با بالاترین میزان وضوح و دقت بود.

گروه f64





(Barbara Probst)

باربارا پرابست

او با دوربین‌های مختلف، با یک سیستم کنترل از زوایا و فواصل متفاوت به‌طور همزمان از سوژه عکاسی می‌کند. یعنی به‌طور همزمان دکمه شاتر دوربین‌ها زده می‌شود. بدین ترتیب او مجموعه عکس از سوژه خود دارد که در یک عکس واحد به نمایش می‌گذارد. او با این سبک نشان می‌دهد که چقدر آن لحظه‌ها می‌توانند معانی متفاوتی داشته باشند.



دیوید لوینتال (David levinthal)

او از آدمک‌های کوچک عکاسی کرده است. او با چیدمان و نورپردازی خاص خود به بازسازی صحنه‌های مختلف از جمله جنگ افغانستان پرداخته است. در این عکس‌ها او از لنز ماکرو استفاده کرده است و بزرگنمایی ۱:۱ باعث شده است آدمک‌های کوچک و ناچیز به اندازه انسان به نظر برسند. درواقع او به نوعی با گرامی عکاسی شوخی می‌کند به گونه‌ای که جهان را با مقیاس عروسکی به تصویر می‌کشد.



Gilbert and George

جرج و گیلبرت

این دو هنرمند بدون هیچ مجسمه‌ای نمایشگاه افتتاح کردند. درواقع آن دو خودشان نقش مجسمه‌های زنده را بازی می‌کردند. و با فیگورهای مختلف فرم‌های متعددی از مجسمه را نمایش می‌دادند. لباس‌های قرن ۱۹، صورت‌های براق و حرکات نمایشی آن‌ها به عنوان مجسمه قابل باور بود. با این شیوه بیان آن می‌خواستند بگویند که زندگی ما هنر ماست.



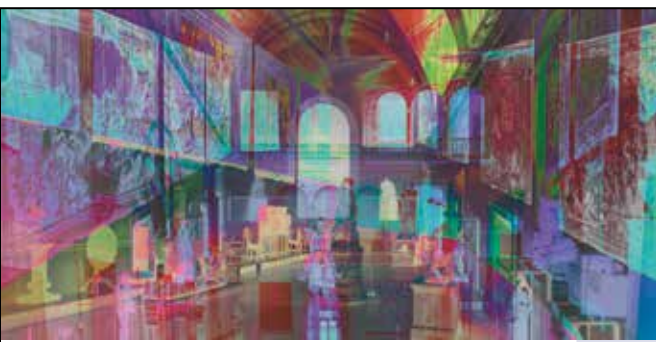
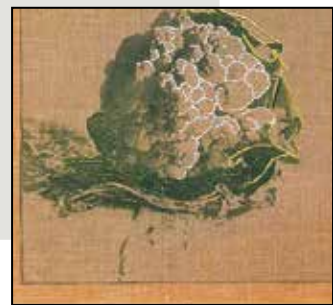
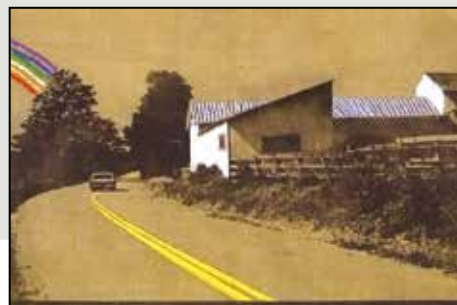
باربارا کروگر

او از عکس دیگر عکاسان استفاده می کند و با اضافه کردن یک عبارت به آن معنای جدید ایجاد می کند.



بتی هان (betty han)

او عکس های خود را روی پرده های بزرگ چاپ می کرد و سپس روی آن گلدوزی می کرد. در این اثر که «جاده و رنگین کمان» نام دارد، او خطوط جاده و رنگین کمان را با نخ های رنگی گلدوزی کرده است. درواقع با این کار او خواسته هنر سطح پایین را با هنر سطح بالا بیامیزد.



جیمز ولینگ (jams welling)

او یک هنرمند مفهومی است که به دلیل عکس های رنگی و دیجیتالی دستکاری شده اش معروف است. او اغلب در مکان هایی که از نظر شخصی یا تاریخی دارای اهمیت بودند عکاسی می کند و سپس عکس ها را با فتوگرام های گوناگون تلفیق می کند. درواقع او ابهام و نوعی شک و تردید را به نمایش می گذارد.





خلاقیت آموزش هنر تصویرسازی

هما رضا زاده
هنرآموز گرافیک هنرستان زینب کبری (س) شهرستان شاهین دژ

اشاره

امروزه در کشورهای توسعه یافته شکوفایی و پرورش خلاقیت دانش آموزان از مهم ترین فعالیت های آموزشی است و عالی ترین هدف آموزش و پرورش در سطوح مختلف تحصیلی به شمار می رود. در این کشورها همواره به این نکته توجه می شود که روند آموزش برای فراگیرندگان روندی پویا و مؤثر باشد، دانش آموزان خود فعالانه در امر آموزش شرکت کنند، تفکر کنند و ایده های بکر ارائه نمایند. با توجه به اهمیت این موضوع پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوه ها و تکنیک های خلاقیت آفرین در آموزش هنر تصویرسازی تدوین یافته است. در این مقاله پس از بررسی تعاریف و نظریات ارائه شده در خصوص ماهیت خلاقیت و هنر تصویرسازی، به ضرورت به کارگیری خلاقیت در تصویرسازی پرداخته و راهکارهای آموزش خلاقیت در هنر تصویرسازی را، با استفاده از تکنیک بارش فکری^۱ مورد مطالعه قرار داده ایم. یافته های این پژوهش نشان می دهد که خلاقیت قابل آموزش و یادگیری است و می توان با استفاده روش ها و تکنیک های پرورش خلاقیت از جمله روش بارش فکری در فرآیند آموزش هنر تصویرسازی جهت پرورش خلاقیت هنرجویان و خلق آثار تصویری خلاق بهره گرفت.

کلیدواژه ها:

خلاقیت، تصویرسازی، ایده، بارش فکری



مقدمه

از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسانی، تفکر خلاق است که در رشد و تکامل فرد و تمدن بشری نقش مؤثری دارد. خلاقیت زیر بنای اختراعات و دستاوردهای هنری و علمی است و پرورش آن در آموزش هنر به‌خصوص هنر تصویرسازی، به‌دلیل بی‌شمار بودن تولیدات و خدمات آن و نیز تنوع مخاطبان و مصرف‌کنندگان آن امری مهم و ضروری است. هنرجویان در تصویرسازی به تفکر خلاق نیاز دارند تا بتوانند ایده‌ها و تصاویری را خلق کنند که موجبات لذت و جذب هر چه بیشتر مخاطبان را فراهم آورد (مثقالی، ۱۳۹۰: ۵۲). متأسفانه ما در کشور در زمینه آموزش این شاخه مهم گرافیکی با کمبود کتب و منابع آموزشی لازم مواجه هستیم و اندک کتب درسی و آموزشی موجود

مرتبط با این رشته یا متون ترجمه شده‌اند و یا بیشتر به بیان تکنیک‌ها پرداخته‌اند، در حالی که تکنیک تنها یکی از رکن‌های یک اثر تصویری موفق محسوب می‌شود، در واقع در این آثار به اصول مهمی از جمله خلاقیت که نقش مهمی در جذب و تأثیرگذاری هر چه بیشتر مخاطبان دارد توجه چندانی نشده است (فاضل ۱۳۸۶، ۳۸)، به همین دلیل است که هنرجویان در مقاطع مختلف تحصیلی چه در هنرستان و چه در دانشگاه‌ها آموزش لازم و منطبق با مهارت‌های خلاق را در جهت تولید، آثار تصویری خلاق نمی‌بینند و بیشتر به خلق آثار تقلیدی و به دور از تفکر خلاقانه روی می‌آورند. این مشکل هنرجویان را به کپی‌کارهایی تبدیل می‌کند که قرار است پس از اتمام تحصیلات خود به فعالیت هنری در سطح جامعه بپردازند و این مسئله نه تنها به خودشان در

نقاط اشتراک این تعاریف که بسیاری از پژوهشگران در آن به توافق رسیده‌اند، ویژگی «نو بودن و تازگی داشتن» است (ویزبرگ، ۱۳۸۷: ۲۰). اما تازگی و نو بودن، نمی‌تواند به تنهایی مفهوم خلاقیت را روشن کند زیرا بسیاری چیزها ممکن است نو و تازه باشند، اما خلاقانه نیستند. به همین دلیل بعدها عنصر «ارزشمند بودن» را به آن افزودند (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۰). به این معنا که خلاقیت فرایند، خلق چیز جدیدی است که دارای ارزش باشد. بنابراین، خلاقیت را به‌طور کلی می‌توان یک فرایند ذهنی، مرکب از قدرت ابتکار و انعطاف‌پذیری تعریف نمود، که هدف آن تولید یک ایده و محصولی ارزشمند، کاربردی و نوآورانه است و قابلیت پرورش دارد.

عناصر و اجزای خلاقیت

فرایند پرورش خلاقیت نیازمند عناصری است که افراد به شرط دارا بودن آن‌ها می‌توانند مهارت‌های خلاق را در خود پرورش دهند. از جمله، سه عنصر اساسی فرایند پرورش خلاقیت عبارت است از: دانش و مهارت‌های مربوط به موضوع، مهارت‌های مربوط به تفکر خلاق و داشتن انگیزه. مهارت‌های مربوط به موضوع به منزله، مواد اولیه و شامل استعداد، تجربه و آموزش است که هر فرد در یک زمینه خاص دارد (صادقی مال امیری، ۱۳۸۶: ۱۳۴). برای مثال روشن است که یک فرد زمانی در نقاشی می‌تواند خلاقیت داشته باشد که قبلاً چگونگی کار کردن با قلم مو و ترکیب رنگ‌ها را آموخته باشد. پس به‌طور کلی انسانی می‌تواند در یک زمینه خلاق باشد که مهارت‌هایی را در آن زمینه یاد گرفته باشد. با وجود اهمیت این عنصر اگر فردی از بالاترین حد استعداد، تجربه، دانش و غیره برخوردار باشد، اما از مهارت‌های مربوط به تفکر خلاق بی‌بهره باشد هرگز نمی‌تواند کار خلاقانه انجام بدهد (قاسمی و اقلیدس، ۱۳۸۴: ۶۲). مهارت‌های مربوط به تفکر خلاق با شکستن قالب‌ها، مهارت‌های موضوعی را در راهی جدید به کار می‌گیرند، یعنی از مهارت‌های موضوعی به شکل جدید استفاده می‌کنند.

انگیزه یکی از عوامل یا عناصر اساسی و از مهم‌ترین اجزا در این مجموعه است. اگر فردی دارای هر دو مهارت مربوط به موضوع و تفکر خلاق باشد ولی انگیزه لازم را برای شروع کار نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند به خلق اثری خلاق دست یابد (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۶). برای شروع فرایند خلاقیت، وجود انگیزه درونی خیلی مهم است. تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که انگیزه درونی می‌تواند نقش سازنده‌تری در تحقق خلاقیت داشته باشد. (صادقی مال امیری، ۱۳۸۶: ۴۴). اگر انگیزه از درون بجوشد کار برای فرد جالب و لذت‌بخش می‌شود.

زمینه شغلی آسیب خواهد زد، بلکه آینده هنری کشور را نیز دچار رکود خواهد کرد. این در حالی است که در دنیا دست کم ۲۰۰ تکنیک و روش پرورش خلاقیت و ایده‌یابی توسط محققان ارائه شده که ما می‌توانیم از این روش‌ها در آموزش و خلق آثار تصویری خلاق بهره گیریم.

اخیراً تام کلی و تیم براون^۲ و همکاران آن‌ها در کتاب «تغییر از طریق طراحی» (۲۰۰۹) تکنیک‌های جامعی را برای قرار دادن مسائل در چارچوب حل مسائل و ابداع راه‌حل‌ها با تأکید بر طراحی، به‌عنوان مفهومی برای برآوردن نیازهای بشری توسعه داده‌اند. محققانی همچون الکس. الف.^۳ در کتاب «تخیل کاربردی» (۱۹۵۳) و ادوارد دوبونو^۴ در کتاب «فکر جدید» (۱۹۶۷) به شرح و توضیح روش‌های خلاقانه حل مسئله پرداخته‌اند. پاول تورنس^۵ (۱۹۷۹) نیز از جمله محققانی است که تحقیقات خود را به بررسی محیط خلاق و خلاقیت متمرکز نمودند. او در کتاب «مهارت و توانایی‌های خلاق» به نقل از قاسم‌زاده، به بررسی راهکارها، آزمون و شیوه‌های پرورش خلاقیت پرداخته است.

با نظر به مباحث فوق، هدف از مطالعه حاضر بررسی راهکارهای آفرینش خلاق در آموزش تصویرسازی با استفاده از تکنیک‌های پرورش خلاقیت و ایجاد توانایی در هنرجویان برای شکستن مرزها و فراتر آنان از چارچوب تفکرات قالبی و فکر کردن به شیوه‌های متفاوت و جدید و رسیدن به ایده‌های نو و خلاق در جهت خلق آثار تصویری خلاق می‌باشد.

خلاقیت؛ تعاریف و نظریه‌ها

فلاسفه، پژوهشگران و روان‌شناسان هر کدام خلاقیت را در حیطه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده‌اند. مثلاً برخی آن را یک موهبت الهی دانسته‌اند. افلاطون منشا آن را ماوراءالطبیعه می‌داند. براساس این دیدگاه هنرمند در ابداعات خویش از نیرویی فراانسانی الهام می‌گیرد. سوروکین^۶ معتقد است که بزرگ‌ترین دست‌یافته‌های خلاق انسانی نتیجه نیروهای فراطبیعی و فراحسی است (اف. نلر، ۱۳۸۰: ۲۱).

دسته‌ای دیگر خلاقیت را در حیطه انسان‌گرایی مورد بررسی قرار داده‌اند. از این نظر خلاقیت به امور خارق‌العاده مربوط نمی‌شود، بلکه همه افراد می‌توانند به شرط فراهم آوردن شرایط درونی و بیرونی امکان رشد بالقوه آن در خود به وجود آورند (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۴).

در کل، خلاقیت مفهوم پیچیده و مبهمی است که بیان تعریف مستقلی از آن دشوار می‌باشد. به همین دلیل هر کدام از صاحب‌نظران تعریفی از خلاقیت ارائه داده‌اند. البته علی‌رغم تفاوت‌های اساسی که در این تعاریف وجود دارد، از بعضی جهات دارای نقاط مشترکی می‌باشند. از مهم‌ترین

مفهوم تصویرسازی

تصویرسازی یکی از شاخه‌های مهم هنرهای تجسمی است که از گذشته‌های دور تا به امروز کار انتقال و رساندن مفاهیم و پیام‌های موردنظر بشر را برعهده داشته و در همه جوامع مردم از آن برای برقراری ارتباط با یکدیگر بهره گرفته‌اند. از تصاویر غارهای عهد پارینه‌سنگی گرفته تا تصاویر کتب مختلف، همه حاکی از اهمیت این هنر ارزشمند در بیان و بهتر فهمیده شدن اهداف، احساسات و اندیشه‌های بشری است.

از هنر تصویرسازی می‌توان برداشت‌ها و تعاریف گوناگونی ارائه داد اما پدیده‌ای که اختصاصاً در دوره معاصر با عنوان هنر تصویرگری یا تصویرسازی از آن نام برده می‌شود در ارتباط با یک متن یا محتوای مشخص تعریف می‌شود. فرشید مثقالی تصویرسازی را در معنای معاصر خود این‌گونه تعریف می‌کند: «تصویرسازی عبارت است از متن یا معنایی را برای مخاطبی معین، مصور و تزئین کردن» (مثقالی، ۲۰، ۱۳۸۸).

مضمون هنر تصویرسازی ارتباط نزدیکی با ادبیات دارد و عناصر محتوایی خود را از ادبیات وام می‌گیرد. تصویرسازی همچنین از سویی به نقاشی وابسته است و عناصر بصری بیان خود را با وام گرفتن از نقاشی بیان می‌کند. در عین اینکه تفاوتی بنیادین از لحاظ نقطه شروع بین هنر تصویرسازی و نقاشی برقرار است و آن این است که نقاشی امری شخصی است که در چارچوب ذهنی هنرمند در طول سالیان زندگی‌اش شکل می‌گیرد و پا به عرصه وجود می‌گذارد؛ در حالی که تصویرسازی امری است ارتباطی که در چارچوب یک نوشتار و گفتار معین شکل می‌گیرد و قابلیت تکثیرشدن دارد (مهردادفر، ۱۲، ۱۳۹۰). تصویرسازی، هم به لحاظ روش و هم به لحاظ چگونگی عرضه، تقسیم‌بندی و انواعی دارد که می‌توان آن را براساس اهداف، محتوا و موضوع به انواع تصویرسازی کتب علمی و آموزشی؛ تصویرسازی کتاب کودک، تصویرسازی مطبوعاتی و تبلیغاتی و غیره اشاره نمود.

ضرورت پرورش خلاقیت در آموزش تصویرسازی تصویرسازی شیوه‌ای از بیان و تلفیقی از منطق و خلاقیت است که در صورت به کارگیری خلاقیت در آفرینش آن می‌تواند تصویری می‌تواند به زیباترین، نافذترین و ماندگارترین اثر تبدیل شود و شانس نفوذ، گسترش بیشتری پیدا کند (زیگن، ۲۰: ۱۳۹۰). یک تصویرساز احتیاج به نیرویی خلاق دارد تا بتواند ایده، تصاویر، فرم‌ها و رنگ‌هایی بسازد که به بهترین وجه محتوای پیام را به مخاطبان منتقل کند. اهمیت یک اثر تصویری خوب تنها در منعکس کردن تصویری محتوی نوشته نیست؛ بلکه یک تصویرساز باید بتواند با به کارگیری

مؤلفه‌های خلاقیت در تصویرسازی، از یکنواختی و تک بعدی بودن اثر جلوگیری کرده و در خواننده انرژی و شوق بیشتری برای ادامه مطالعه ایجاد کند (داوودی، ۱۳۸۸: ۸۲).

به کارگیری خلاقیت در خلق کاراکترها و فضاپردازی آثار، منجر به این می‌شود که مخاطب اثر را به تفکر بیشتری ترغیب کند تا بیش از آنچه را که در متن وجود دارد به تصور خویش درآورد و به درک عمیق‌تر و بهتری از موضوع دست یابد. هر قدر اثر هنری محصول خلاقیت هنری هنرمند باشد در مخاطب احساسی بهتری از خشنودی و لذت برمی‌انگیزد و اثر هنری را به امری زیبا مبدل می‌سازد. (بلخاری، ۱۳۸۸: ۱۵۵). تماس مستمر مخاطب با کارهای هنری بدیع علاوه بر دادن اطلاعات جدید به او به آگاهی بصری وی از اطراف نیز می‌افزاید. اگر ایده‌ها و موضوعات تصویری مهارت‌های تخیلی و خلاقانه باشند بی‌معنا و یا کم‌ارزش خواهند بود، زیرا هنرمند بودن به توانایی در طراحی و خلق آگاهانه نشئت یافته از تصورات و قدرت نوآوری بستگی دارد (ساطعی، ۱۳۸۶: ۵۴). امروزه، با پیشرفت علم و تکنولوژی، استفاده از خلاقیت

در تصویرسازی به‌خصوص تصویرسازی کتاب کودکان ضرورت بیشتری یافته است. زیرا کودکان بیشتر اوقات وقت خود را صرف دیدن کارتون‌ها و بازی‌های متنوع کامپیوتری می‌کنند و تمایل کمتری نسبت به خواندن کتاب دارند، تا جایی که کم‌توجهی به خرید و مطالعه کتاب توسط این گروه سنی موجب نگرانی بسیاری از روان‌شناسان و پژوهشگران کودک شده است (کاملان، ۱۳۹۱: ۸۷). پژوهش‌هایی که در حیطه چگونگی ایجاد پیوند کودک و کتاب صورت پذیرفته نشان‌دهنده این است که کودکان از طریق حس خود با پیرامونشان ارتباط برقرار می‌کنند و برپایه آن تجربه‌ها از خود واکنش نشان می‌دهند. تصاویر مختلف در رنگ‌ها و سبک‌های گوناگون خلاقانه این واکنش‌ها را تشدید کرده و قدرت تخیل و تشخیص آن‌ها را در رابطه با اجزای پیرامونشان می‌تواند افزایش دهد (موسوی، ۱۳۸۶: ۴۶). استفاده از تصاویر خلاقانه در تصویرسازی کتاب کودکان به آن‌ها کمک می‌کند، تا بتوانند در خود جهانی خلاق بیافرینند و خلاقیت جهان خود را بهتر درک نمایند (ساطعی، ۱۳۸۶: ۱۸). با کمی توجه به زیبایی‌شناسی و به کارگیری خلاقیت در طراحی و نوع ارایه کتاب می‌توان تحرک و جاذبه‌های بصری فراوانی برای خرید و مطالعه کردن کتاب به وجود آورد (کاملان، ۱۳۹۱: ۸۸). چرا که اولین تأثیر هر کتاب، معمولاً به وسیله جاذبه بصری آن به وجود می‌آید.

آموزش خلاقیت در تصویرسازی با استفاده از

تکنیک بارش فکری

علم روان‌شناسی نشان می‌دهد که فرایند خلاقیت امری ذاتی نیست، بلکه می‌تواند رشد و پرورش داده شود. از طریق آموزش می‌توان به افراد یاد داد که می‌توانند

خودشان از راه‌های غیرمعمول در شناسایی و حل مشکلات خود دست یابند (عابدی، ۱۳۷۲، ۴۷). در دنیا دست کم ۲۰۰ روش برای پرورش خلاقیت و ایده‌یابی توسط محققان ارائه شده است که می‌توان از این روش‌ها در آموزش و خلق آثار تصویری خلاق بهره گرفت؛ روش‌های مختلفی از قبیل بارش فکری، سینکتنیکز^۲، تکنیک ارتباط اجباری^۱، تکنیک اسکمپر^۳ و غیره (نیرومند، ۱۳۹۱: ۶). در میان الگوها و روش‌های متعدد پرورش خلاقیت، روش بارش فکری از جمله بهترین الگوهایی است که در مدت زمانی کوتاه، منجر به رسیدن به ایده‌های نو و خلاقانه می‌شود. (لاپتن، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۷). این روش در سال ۱۹۵۰ توسط الکس. اف. آزبرن ابداع شد و با سرعت به روشی محبوب برای کمک به افراد در زمینه تفکر خلاق، حتی افرادی که به هیچ‌وجه خلاق نمی‌دانستند، تبدیل شد. در این روش از تفکر خلاق یا تفکر واگرا^۱ باری دستیابی به بهترین ایده‌های مفهومی و هسته‌ای استفاده می‌شود. در روش بارش فکری خاصی حاکم است که رعایت آن‌ها منجر به رسیدن به بهترین ایده‌ها خواهد شد و در طی اجرای آن باید بدان توجه داشت این عبارت است از:

۱. انتقاد ممنوع: در اجرای این روش باید از هرگونه قضاوت و داوری در خصوص ایده‌های طرح شده توسط افراد خودداری کرد. زیرا انتقاد ممکن است مانع ارائه ایده‌های نو و خلاقانه گردد.

۲. کمیت بیشتر: ارائه هرچه بیشتر ایده‌ها موجب می‌شود راه‌حل‌ها و ایده‌های بیشتری طرح شود و دامنه انتخاب

وسیع‌تر گردد؛ به عبارتی کمیت بیشتر کیفیت بهتر را به دنبال خواهد داشت.

۳. ترکیب: از ترکیب ایده‌های حاصل شده می‌توان به نتایج جدیدتر و بهتری دست یافت. (حسینی، ۱۳۹۰: ۵۹). قواعد این روش فرصت خوبی را ایجاد می‌کند که افراد بدون نگرانی از هرگونه قضاوت و انتقادی به ارائه ایده‌های خود بپردازند. استفاده از روش بارش فکری در ساعات آموزش تصویرسازی به خوبی میسر است. این روش را می‌توان به صورت گروهی و فردی اجرا کرد اما روش گروهی آن مطلوب‌تر است.

در ساعات آموزش تصویرسازی و یا در جلسات گروهی که افراد گروهی کار می‌کنند مدرس یا مربی می‌تواند ابتدا کاراکترها و عناصر اصلی موضوع یا محتوای موردنظر را مشخص کند و سپس هر یک از هنرجویان ایده‌های خود را در خصوص نحوه طراحی کاراکترها، فضاپردازی و انتخاب تکنیک موردنظر به صورت تصویری روی تخته یا تابلو که در معرض دید گروه قرار دارد ارائه دهد. این کار سبب خواهد شد که هم ذهن از طریق دیدن بهتر متوجه مطلب شود و هم ایده‌ها به سهولت قابل دیدن مقایسه، طبقه‌بندی و ترکیب شوند و بین افراد به اشتراک گذاشته شوند (عابدی، ۱۳۸۳: ۱۲). با ادامه بسط ایده‌ها، افراد گروه با دیدن ایده‌های تصویری هم گروه‌های خود از یکدیگر الهام گرفته و ایده‌های جدیدتر و متنوع‌تری به ذهن آن‌ها خاطور خواهد کرد. بدین ترتیب که وقتی یکی از اعضای گروه ایده‌ای را طرح می‌کند موجب تحریک ایده‌های سایر افراد شده و ایده‌های جدیدتری به آن‌ها الهام خواهد شد و زنجیره‌ای از افکار و ایده‌های خلاق در خصوص موضوع موردنظر شکل می‌گیرد. علاوه بر این نوعی رقابت در افراد گروه حاصل می‌گردد که منجر به تلاش بیشتر آن‌ها برای طرح ایده‌های خلاق خواهد شد (جوزی، ۱۳۸۷: ۵۷).

روش بارش فکری را به شکل فردی نیز می‌توان در تصویرسازی اجرا کرد. به این ترتیب که فرد فقط عضو گروه بارش فکری باشد و با مشخص کردن موضوع اصلی شروع به ارائه ایده‌های مختلف در خصوص نحوه طراحی کاراکترها و فضا سازی و نحوه اجرای اثر کند. هر چه قدر تعداد ایده‌های ارائه شده بیشتر باشد به نتایج بهتری می‌توان دست یافت و در پایان از بین ایده‌های ارائه شده می‌توان بهترین ایده را انتخاب کرد (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۵).

در طی اجرای روش بارش مغزی در جلسات آموزش تصویرسازی می‌توان از اصل تغییرات فراوان که شامل کوچک و بزرگ کردن، اغراق، حذف یا تقسیم و نیز تغییر و اصل جاندارانگاری، که شخصیت دادن به همه اشیاء، عناصر و پدیده‌هاست، در طراحی شکل کاراکترها و فضا سازی اثر، برای دستیابی به نتایج خلاقانه‌تر بهره گرفت (نیرومند، ۱۳۹۱: ۱۷). استفاده از این اصول کمک می‌کند تا هنرجویان ایده‌های اولیه خود را دستکاری کنند و به ایده‌های جدید و شگفت انگیزی بر پایه ایده‌های اولیه خود دست یابند.



نتیجه‌گیری

تصویرسازی‌های جذاب و گیرا اصولاً با مهارت در تفکر خلاق همراه هستند. هر اثر تصویری باید یک کشش اولیه برای ارتباط با مخاطب داشته باشد تا او را جذب کند و درگیر اثر عرضه شده نماید. جذابیت اثر می‌تواند موجب اتصال اولیه مخاطب با اثر شده و اطلاعات لازم را به او انتقال دهد؛ و رسیدن به این مهم تنها با به کارگیری خلاقیت و ایده‌های نو در تولید اثر تصویری ممکن می‌شود. مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که خلاقیت مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل اکتساب است که از طریق تکنیک‌ها و فرایندهای آموزشی مؤثر می‌توان آن را به افراد آموزش داد. تاکنون روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی در خصوص پرورش خلاقیت در زمینه‌های مختلف ارائه شده است که از این بین، روش بارش مغزی روشی مناسب جهت آموزش خلاقیت به هنرجویان در درس تصویرسازی به شمار می‌آید. قواعد این روش موقعیتی فراهم می‌کند که هنرجویان

بدون نگرانی از ارزیابی دیگران به ابراز ایده‌های خود بپردازند و بدین ترتیب اعتمادبه‌نفس آنان افزایش یافته و امکان ارائه ایده‌های ابتکاری و خلاق در خصوص موضوع مورد تصویرسازی فراهم آید.

پیشنهادهای کاربردی

۱. ایجاد تقویت و نگرش هنرآموزان و اساتید هنر نسبت به کارایی روش‌های خلاق در تدریس و تأثیر آن بر خلاقیت هنرجویان.
۲. گنجاندن فعالیت‌هایی براساس روش‌های خلاقیت در متن و محتوای منابع و دروس، در آموزش تصویرسازی، توسط برنامه‌ریزان آموزش و درسی.
۳. آموزش کاربرد و استفاده از روش بارش فکری و سینکتیکز برای ایده‌یابی در تصویرسازی هنرجویان.
۴. برگزاری دوره‌های آموزشی خلاقیت و راهکارهای پرورش آن در آموزش تصویرسازی برای هنرآموزان.

پی‌نوشت‌ها

1. Brain storming
2. kelly&Brown
3. Oshbrn
4. Debono
5. Torrance
6. Sorokin
7. Cynectics
8. Firced associaion
9. Scamper
10. Thinking Divergent

منابع

۱. اف. نلر، جورج (۱۳۸۰)، **هنر و علم خلاقیت**، ترجمه سید علی اصغر مسدود، شیراز: دانشگاه شیراز.
۲. بلخاری قهی، حسن. ۱۳۸۷. **عکس مهریوبان: خیال عارفان**، تهران: فرهنگستان هنر
۳. جوزی، حسین (۱۳۸۷). **روش‌ها و فنون تدریس هنر**. تهران مدرسه.
۴. حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۸)، **ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن**، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵. حسینی، افضل‌السادات (۱۳۹۰). **یادگیری خلاق کلاس خلاق**، تهران: مدرسه.

۶. داوودی، آرمان (۱۳۸۸)، **ترجمه تصویری**، نشریه حرفه هنرمند، شماره ۳۰.
۷. زیگن، لارنس (۱۳۹۰)، **مبانی تصویرسازی**، ترجمه شهره و رحمانیان، تهران: پشتوتن.
۸. ساطعی، عشرط (۱۳۸۶)، **هنر کودک و نقاشی**، تهران: نیکان کتاب.
۹. سالزبری، مارتین (۱۳۸۷)، **تصویرگری کتاب کودک**، ترجمه شقایق فتنداری، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۰. عابدی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، **خلاقیت**، تهران: جامی
۱۱. فاضل، فاطمه (۱۳۸۶)، **چگونه برای کتاب تصویرسازی کنیم**، فصلنامه گرافیک و چاپ، شماره سوم.
۱۲. قاسمی، فرشید. اقلیدس، طاهره، (۱۳۸۴)، **بررسی تأثیر آموزش درس پرورش خلاقیت در کودکان بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان دختر سال سوم کودک یاری هنرستان‌های شیراز**. مجله نوآوری آموزشی. ۴: ۸۴ - ۵۸.
۱۳. کاملان، الیاس. (۱۳۹۱). **تصویرسازی در قالب خلاقیت**. نشریه کتاب ماه کودک و نوجوان. ۶: ۹۶-۸۷.
۱۴. لاپتن، آلن (۱۳۹۲)، **طراحی تفکر گرافیک**، آن سوی طوفان مغزی، ترجمه

- نازیلا محمد قلی‌زاده، تهران: فرهنگ‌سرای میردشتی.
۱۵. مهردادفر، مریم (۱۳۹۰)، **تصویرسازی**، تهران: مارلیک.
 ۱۶. مثقالی، فرشید (۱۳۸۸): **در چند و چون تصویرگری**، نشریه حرفه هنرمند، شماره ۳۰.
 ۱۷. ویزبرگ، رابرت. ۱۳۷۸. **خلاقیت فراسوی اسطوره نبوغ**. ترجمه مهدی والفی. تهران: روزبه.
 18. Brown, T. 2009. *How Design Thinking Transforms Organizations And Inspires Innovation*. New York: Harper Business.
 19. De Bono, E. 1967. *New Think: The Use Of Lateral Thinking In The Generation Of New Idea*. New York: Basic Book.
 20. Osborn, Alex. F. 1953. *Applied Imagination*. New York: scribner
 21. stein, M. 1962. *Creativity As An intra - personal process in parnes sidney source book for creative Thinking* Charles Scribner. Newyork : Sons.
 22. Torrance, E.p.& Goff, K. 1979. *A Quiet Revolution*. Creative Behavior. 23:136- 145.



اشاره

حضور درس خوشنویسی
در پایه‌های هفتم تا نهم و تداوم آن در
هنرستان یکی از فرصت‌های ناب برای پیوند
دانش‌آموزان با استوانه فرهنگی و هنری خط می‌باشد.
تبدیل کردن عناصر نوشتاری به تابلوهای دیداری و
آفریدن اثری نقاشی‌گونه، سابقه دیرینی دارد. این فرایند
برای دانش‌آموزان لذت‌بخش است و به‌ویژه زمانی که تولید
اثر ابعاد انتزاعی پیدا می‌کند بر جاذبه آن افزوده می‌شود.
در این نوشتار تجربه تبدیل سیاه‌مشق‌ها به اثر بصری با
ارائه نمونه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. دبیران هنر
با داشتن قابلیت و توانایی بالا می‌توانند عرصه
کلاس را برای تجربه‌های مشابه سامان
دهند.

کاوه تیموری

خودجوش، خوشنویسی با هر کدام
از این حرکات مؤانست و ارتباط
بیشتری می‌یابد زیرا آن‌ها نیاز وی
را در همه شرایط به خوبی برآورده

نیز نایل می‌شود؛ یعنی حرکات و
حروفی که هر کدام کارکرد هنری
خود را در ترکیب و بافت کلی
اثر به اثبات می‌رسانند. به‌طور

در این دست از سیاه‌مشق‌ها و به
هنگامه جانمایی حروف و کلمات،
خوشنویسی به کشف سیال‌ترین
و روان‌ترین کاراکترهای نستعلیق

می‌کنند. هم از این رهگذر است که این نوشته‌های انبوه و بی‌امان، در عین شوریدگی آرامش و سکونی را در روح و جسم خوشنویس جاری می‌سازد و او را به قرار و ثبات دعوت می‌کند. این پیش‌فرض را در نظر داشته باشیم که نگرستن به جزئیات و واکاوی صحت و سلامت نحوه نگارش حروف و کلمات مانع از لذت بردن از کلیت این سیاه‌مشق‌هاست. به همین دلیل در نظر داشتن یک اثر دیداری با مواد خام خوشنویسانه، مقدم بر دیدن اثر کلاسیک خوشنویسی است.

به همین سان این مجموعه جست‌وجویی برای رازگشایی از پرده‌های ناشناخته همجواری حروف و کلمات در شیوه نستعلیق است؛ جست‌وجویی بی‌پایان که هیچ‌گاه با آن نمی‌توان به ذات و بن‌مایه‌های بی‌انتهای خط دست یافت. اما همین که در یک دوره سه‌ساله «شاهد خط» خود را این‌چنین بر؟؟ این آثار عرضه می‌کرد، خود عین توفیق نگارنده است و الباقی توفیقات اضافات و ارزش افزوده‌ای است که انتظاری بر آن‌ها مترتب نبوده است. فقط و فقط همان توفیق همنشینی و انس با خط، ثمرة این نوشتن‌های مکرر و پی‌درپی است که خوشنویس صدها مرتبه ارزش شکر آن را بر خود واجب می‌داند.

حتی بر این باور است که هنوز وظیفه راستین خود را به این «نظام هندسی دیرپای» ادا نکرده است.

سیاه‌مشق‌های شیدایی مجموعه‌ای از تجربه‌های چهل‌گانه‌نویسی است.

این چله‌نویسی‌ها، به تأسی از چله‌نشینی‌ها، دستاوردی از نیایش‌های پریشان شبانگاهی است که در دل شب‌های خاموش نجوای قلم پدید آورده است. چهل سیاه‌مشق موج با نواختن هزاران ضربه نی پله پله کاتب را در فضای معنوی و راز و نیاز خوشنویسانه به پرواز در می‌آورد. تا آنجا که بتواند

رقص کلمات و واژه‌ها و حروف را با دیده خود به تماشا بنشیند و عطف و مهربانی و میراث فرهنگی و هنری خط را بیش از پیش درک کند.

این آثار نمایی از آیین رنج‌های شادی‌بخش کاتب است که پیش روی بیننده هنرور قرار گرفته است. حال اوست که می‌تواند با همذات‌پنداری با نگارنده این آثار، در حال و هوای هنری او شریک شده و به حالات روحی او پی برد و یا دست‌کم نزدیک شود.

سیاه‌مشق‌های شیدایی در تداوم خلاقیت هنرمندان پیشگام در خلق آثار هنری و خوشنویسانه است.

سیاه‌مشق، به‌عنوان یک قالب هنری ویژه در خوشنویسی، همواره عرصه ذوق‌آزمایی و دست‌ورزی اهل خط بوده است. در این شیوه ظرفیت بی‌پایان در چیدمان حروف و ویژگی پیش‌بینی‌ناپذیری فرم‌های به‌دست آمده، خوشنویس را در مصافی بی‌امان با نوشتن و رج‌زدن‌های مدام و پیوسته‌نگاری قرار می‌دهد. البته باید اذعان کرد که همیشه شوق به آفرینش طرح‌های ذهنی از حرکت سیال و موج حروف و کلمات در وجود خوشنویس موج می‌زند. در این فرایند، به تدریج و در جریان نگارش، آرام‌آرام فضاها و فرم‌هایی بروز می‌یابند که قلم



خوشنویس را در کام خود می‌کشند
و آن را با خود تا مرز بی‌انتهای
پویش هنری همراه می‌کنند. در
نتیجه، خوشنویس درمی‌یابد که
در ورای شکل ظاهری حروف و
چیدمان آن‌ها در اصول کلاسیک،
می‌تواند، با ساختارشکنی، از
هندسه بیرونی مفردات و کلمات
برای نوآفرینی و آفرینش‌های
هنری تازه استفاده کند. اوج این
نگاه هنری نیز زمانی است که
خوشنویس، به تأسی از بزرگان و
پیشگامان سیاه‌مشق‌نویسی، بار
ادبی را از مواد مورد نگارش خود
می‌ستاند و با گسستن این قید
عزم خود را برای تولید یک اثر
ناب هنری جزم می‌کند. در این
نگاه مشخصه سیاه‌مشق دریایی





است از حروف جنبیده و پیچان، و اثری است دیداری که هم تصویر کلی آن اثر نقاشی گونه‌ای را در جلو چشم بیننده جلوه‌گر می‌سازد و هم جزئیات و دقایق آن راه را

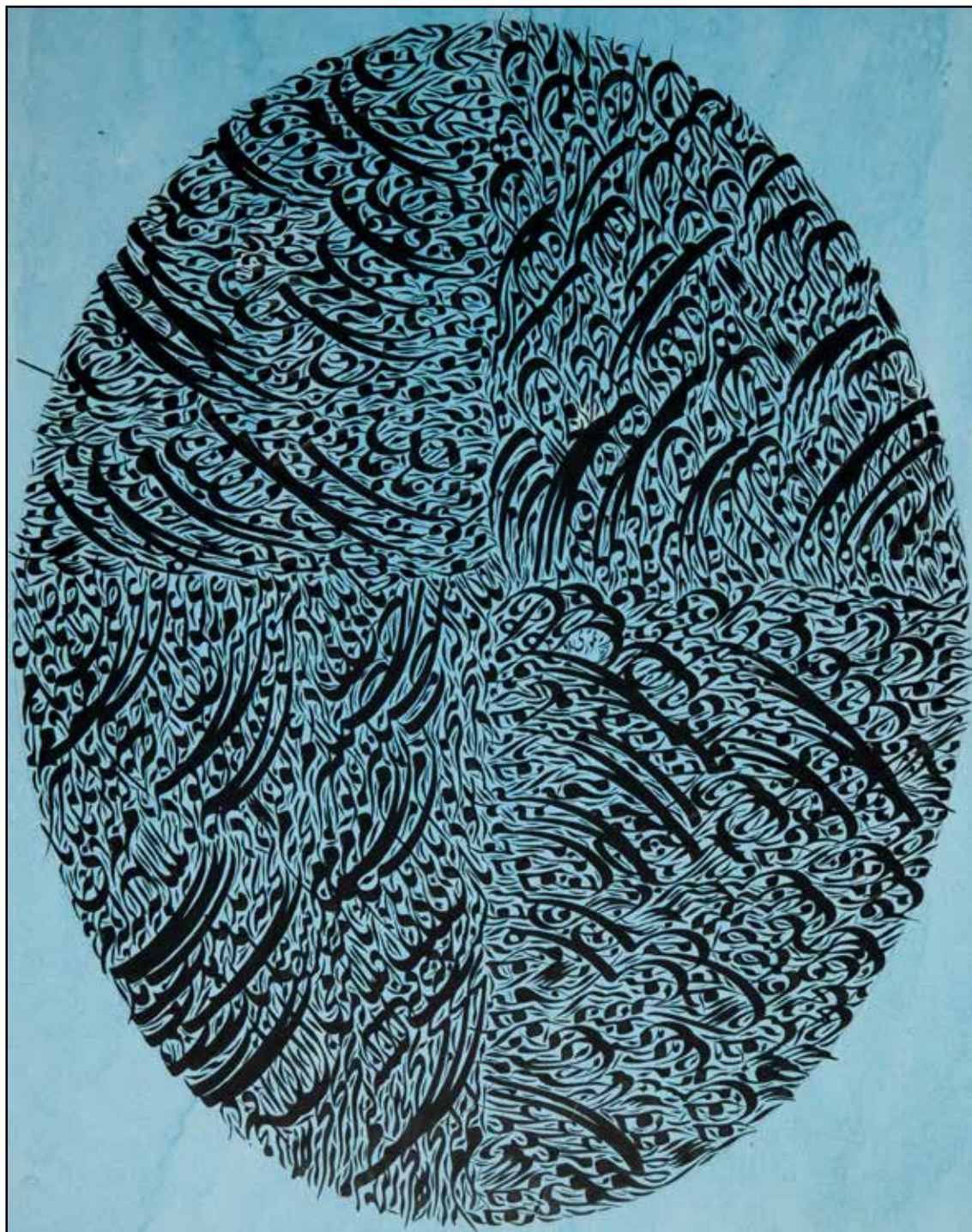
برای تفسیرهای متفاوت از آن، برای او باز می‌کند. به این دست از آثار اگر چه نمی‌توان عنوان نوآورانه داد اما باید هر یک از آن‌ها را راهی برای کشف‌های تازه

به‌شمار آورد؛ راه تازه‌ای که در اثر همنشین و مانوس کردن خطوط، چیدمان‌های تازه و درهم‌آمیزی‌های خیره‌کننده مواد نوشتاری، می‌تواند نمایی خرسندکننده برای حس

زیبایی‌شناختی مخاطب ارائه کند.
سیاه‌مشق‌های شیدایی افزون بر
موارد گفته شده، حس دیگری را در
خوشنویس ایجاد می‌کند و آن اینکه
تکرار در تکرار را به طراوت تکرار
تبدیل می‌نماید و نوعی از نگاه عارفانه
را که شکلی از ذکر و دلدادگی و

مناجات دوسویه با معبود در پی دارد،
رقم می‌زند.
چالش درهم‌آمیزی حروف و در
دل یکدیگر قرار دادن آن‌ها چالشی
مغتنم است. سالک سیاه‌مشق در
این مسیر با آناتومی خط نستعلیق و
ماهیت درونی و ذاتی آن آرام‌آرام انس

می‌گیرد؛ تا آنجا که در مواردی که
نمی‌تواند از تمام شکل و شمایل‌های
حروف و حرکات استفاده کند از
بُن‌مایه‌ها و موتیف‌های آن بهره
می‌گیرد که خود تجربه‌ای تازه و
دلچسب است.
همان‌گونه که اشاره شد، در





فرایند کار، خوشنویس خود را چونان مسافری می‌داند که بر بال حروف و کلمات به پرواز در آمده است. این حروف و کلمات که مایه اصلی آفرینش هنری در خوشنویسی هستند، با اعمال مؤلفه‌های بصری چون تضاد، تقارن، تعادل و تجانس با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و همواره جوشش، هیجان و جنبش دائمی‌شان، آن‌ها را از حالتی به حالتی دیگر و از فضایی به فضایی دیگر می‌کشاند. این حرکت تناقض‌گونه بالاخره در نقطه‌ای کلیت کار را شکل می‌دهد؛ کلیت ویژه‌ای که در درون آن شور و شوق حرکت جاری است. گاه تصویر پرواز دسته‌جمعی شماری از پرندگان را تداعی می‌کند و گاه امواج خروشان آب‌ها را به‌خاطر می‌آورد؛ گاه نیز با درهم‌آمیزی بافت‌گونه آن‌ها تبلور نجوای یک‌سویه و دغدغه هنرمندی است که دوست دارد جنگل‌های سرزمینش به جای دست‌اندازی‌های تخریب‌کننده، بکر و دست‌نخورده باقی مانده باشد.

این آثار هرچه که باشند نقش خود را بر قلب کاتب خستگی‌ناپذیر خود به‌جای می‌گذارند، زیرا هر کدام همچون فرزند معنوی هنرمند، آرام‌آرام و به‌تدریج در صفحه بالیده‌اند و با طی مراحل کودکی تا بزرگسالی خود به بلوغ رسیده‌اند. از این روست که خوشنویس به هر کدام از آن‌ها به‌عنوان پاره‌ای از وجود خود می‌نگرد. نکته مهم در فرایند نگارش آثاری از این دست بهجتی است که به کاتب دست می‌دهد، تا آنجا که کیفیت شکل‌گیری اثر برای خودش نیز قابل توصیف نیست؛ چه، او هر لحظه در مواجهه با فرم‌ها و فضاهای تازه هویت و شخصیت حروف و کلمات و چینش آن‌ها، مانند جریان سیال امواج، دچار تغییر می‌شود و همین امر است که پیوستگی خوشنویس را با اثر خوشنویسانه خود تحکیم می‌بخشد. در حقیقت، در فرایند

و ناقدان مشفق است. زیرا در درجه نخست، نگاه ناظران تیزبین و پسند هنری جامعه است که ماندگاری و قوام هر نگاه هنری و تجربه تازه را فراهم می‌سازد. باشد و شاید که در یکی از راز و نیازهای عارفانه بالاخره راهی گشوده شود و آن شاهد حقیقی، که هنرمند عاشقانه آن را جست‌وجو می‌کند، خود را نمایان سازد:

در پس امواج بی‌تاب حروف
خوشنویس بی‌قراری می‌نگاشت
با سیاهی‌های مشق و ذکر دوست
غیر از این ره‌توشه‌ای در دل
نداشت!

خلق اثر، خوشنویس نیز روحی سیال و قلمی مواج و رها می‌یابد که او را در پیوند با خط یاری بیشتری می‌رساند تا آنجا که فرصت برای لذت بردن در این عرصه وسیع سیاه‌مشق انتزاعی فراوان و پایانش ناپیدا است.

این نکته دور از دسترس نخواهد بود که با استمرار تمرین و درنوردیدن افق‌های جدید، دیر یا زود، این نوع از سیاه‌مشق‌های انتزاعی و خیالی‌نویسی‌های عاشقانه به یک زبان بصری شناسنامه‌دار تبدیل شود؛ و البته، لازمه آن قرار گرفتن اثر در معرض نقد و نظر هنرمندان صادق



تدریس هنر مندانه زیر سایه درخت

محمد حسین دیزجی

گفتم: «با کلمات سرباز- معلم، منطقه مرزی، بلوچستان، کودکان کم برخوردار و درس هنر چیزی بساز یا جمله‌ای بگو؟»
گفت: «آن روز که به یک درخت خرما تکیه زده و زیر سایه‌اش نشسته بودم، پیش خود اندیشیدم که باید فکری برای درس هنر این

منطقه مانده و همچنان به کودکان و نوجوانان اینجا آموزش می‌دهد. از خواندن نوشتن گرفته تا علوم، ریاضی، تاریخ و جغرافیا را تدریس می‌کند. می‌توانست یک کاغذ و یک بسته مداد رنگی به بچه‌ها بدهد تا فقط نقاشی کنند و اسم این زنگ را هم هنر بگذارد. اما افق نگاهش مثل خورشید درخشان و تابناک سیستان و بلوچستان بسیار وسیع و گسترده است. پدرش معلم بازنشسته است و به همین دلیل نگاه او هم به تعلیم و تربیت مرز نمی‌شناسد. بنابراین کلاس هنر او فراتر از درس نقاشی و کمی بازی‌های محلی است.

هنر می‌خواهد که بتوانی به کودکان یک منطقه کم‌برخوردار کشور، در نقطه مرزی ایران و پاکستان در استان سیستان و بلوچستان، جلوه‌ای از هنر را تعلیم و آموزش بدهی؛ در حالی که شاید هنوز تعدادی از این کودکان به درستی نمی‌توانند واژه هنر را روی دفتر مشق خود بنویسند.

حدود ۷۰۰ کیلومتر فاصله میان خانه این معلم تا مدرسه او هست. از خانه پدری‌اش در «زابل» مرکز سیستان، تا منطقه «هنگ» در منطقه بلوچستان، نزدیک مرز ایران و پاکستان، آمده بود تا دو سال دوران سرباز- معلمی را بگذراند و به خانه برگردد. اما اکنون حدود پنج سال و کمی بیشتر است که در این





بچه‌ها کرد. کاری که فقط پشت سر گذاشتن ساعت درس هنر نباشد، بلکه زنگ درس هنر صدایی داشته باشد و صدای این زنگ، بچه‌ها را کمی بیدار کند و آنان را نسبت به داشته‌های خود حساس سازد.»

پرسیدم: «چه تدبیری

اندیشیدی؟»

پاسخ داد: «در این منطقه درختی شبیه درخت خرما هست که در زبان محلی به آن «داز» می‌گویند. این درخت فقط در همین منطقه در کوه‌ها و بیابان‌ها رشد می‌کند و شاخه‌های آن‌ها را می‌چینند و به صورت نازک در می‌آورند و داخل آب قنات می‌گذارند تا چند روز بماند و خیس بخورد و کمی نرم و مرطوب شود. سپس با دو سنگ آن‌ها را می‌کوبند که حالت شکل‌پذیر پیدا کنند. از این ترکه‌ها بیشتر برای ساختن وسایل ضروری، مثل سفره، جانمازی، جاکرمایی، جامدادی، گلدان، کیف، سبد و کفش که به زبان محلی

«سواس» نام دارد، همچنین طناب، کلاه و ... استفاده می‌کنند. من هم از فرصت استفاده کردم و این کار را به بچه‌ها آموزش دادم. تولیدات آن را در بازار عرضه می‌کردیم و پولش را به بچه‌ها می‌دادیم. حتی چندبار در نمایشگاه‌ها نیز این کارها را عرضه کردیم.»

آری، آراین جهان تیغ از جنس آن معلمانی است که هنر را هنرمندانه و با تدبیر تدریس می‌کند. شاید آنجا که او تعلیم می‌دهد، از گرافیک، مینیاتور یا عکاسی و خط نستعلیق خبری نباشد، اما او شاگردانش را طوری تربیت می‌کند که به فردای این سرزمین و هنرهای متنوع و گوناگون آن عشق بورزند که این خود هنری بزرگ است. خدا قوت آقا معلم!



جان مایه نمایش خلاق برای دبیران هنر

(تلخیصی از کتاب نمایش خلاق)

فرزانه جعفری
دبیر آموزش و پرورش



اشاره

آنچه موجب شده است قصه و نمایش همچنان کارآمد و مؤثر در زندگی بشر حضور داشته باشد، عنصر خلاقیت است؛ چرا که وجه غالب قصه‌ها و نمایش‌ها، خلاقیت آن‌هاست. قصه و نمایش انسان‌ساز هستند و در مسیر تربیت هیچ ابزار دیگری به اندازه آن‌ها مؤثر نیست.

همه ملت‌ها امروز به اهمیت نمایش خلاق و حوزه‌های مربوط به آن پی برده‌اند. در بیانیه همایش دسته‌جمعی هنرها و تعلیم و تربیت که توسط انجمن مدیران مدارس، اتحادیه تعلیم و تربیت مرکز کندی برای هنرهای نمایشی، که در سال ۱۹۸۵ منتشر شده، چنین آمده است: آینده ملت ما نیز بستگی به توانایی ما در خلاقیت و خلاق بودن دارد. در دهه‌های آینده مهم‌ترین منابع تحول نیروهای انسانی هستند. اگر قرار باشد ملت ما به استقبال چالش‌های آینده برود، لازم است مدارس امروز ما به پرورش رهبران خلاق بپردازند. (باکانان، ۲۰۰۴) بنابراین نمایش خلاق خونی است که بیکر رشته‌های نمایشی و علوم تربیتی و نیز پیکر جامعه بدان نیازمند است.

در کتاب نمایش خلاق، حوزه‌های گوناگون نمایش‌های کودکان و نوجوانان از نمایش خلاق گرفته تا تئاترهای مربوط به آن بررسی و در این مسیر از خلاقیت و قصه‌گویی، بازی‌های نمایشی، عروسک و سایه‌بازی صحبت شده است. تأکید کتاب بر جنبه‌های علمی و کارگاهی است. همچنین سه نوشته ترجمه و پیوست شده است. نوشته اول پژوهشی در مورد استفاده از نمایش خلاق در نویسندگی غیرداستانی کودکان است. نوشته دوم تجربه یکی از مربیان نمایش خلاق در نوشتن نمایش‌نامه با بچه‌هاست و نوشته سوم «ارزیابی هنرمندمحور» نام دارد.

تعریف نمایش خلاق

هر چند خلاقیت جزء جدانشدنی همه هنرها و از جمله هنر نمایش است با این حال به نوعی از نمایش فرایندمحور که به سود دست‌اندرکاران کار می‌شود و ربطی به اجرا برای تماشاگران ندارد، اصطلاحاً نمایش خلاق می‌گویند. در این نمایش، خود راه هدف است و تأکید بر فرایند تمرین است. پرورش توانایی دست‌اندرکاران اهمیت دارد و محصول نهایی در اولویت نیست. این نمایش همگانی است، چرا که فرایندی برای خلاقیت و توانایی حل مسئله است. به همین دلیل از کودکان گرفته تا بیماران روانی و زندانیان، همگی می‌توانند در زندگی از آن بهره ببرند. می‌توان گفت نمایش خلاق ترکیبی از تئاتر و تعلیم و تربیت است که موجب می‌شود توانایی‌های بالقوه انسان بالفعل شود. در نمایش خلاق، افراد زندگی را در محیط امن تمرین می‌کنند. به همین سبب کودکان در این نمایش تجربه کسب می‌کنند و بزرگسالان راه حل مشکلاتشان را می‌یابند. نمایش خلاق به همه فرصت ابراز وجود می‌دهد. بداهه‌سازی در این نوع نمایش اهمیت خاصی دارد. با نمایش خلاق فرد می‌تواند جهانی نو بیافریند و در آن گام بردارد. با استفاده از فنون نمایش خلاق می‌توان افراد را برای زندگی متعادل آماده کرد و آن‌ها را آگاه‌تر، تواناتر و مجهزتر به مصاف مشکلات پیچیده جهان معاصر فرستاد. تفاوت تئاتر و نمایش خلاق در این است که نمایش خلاق نخبه‌گرا نیست زیرا برای آن هر کس می‌تواند بازیگر بالقوه باشد. نمایش خلاق بخش مهمی از فرایند تئاتر و پرفورمانس است، اما به علت گستردگی، افزایش جامعه دست‌اندرکاران، میزان جلب مشارکت و شادمانی و نداشتن فشار و اضطراب اجرا، از تئاتر و پرفورمانس گامی فراتر می‌رود. نمایشی است که هم شادمانی و آموزش است و هم جهان را می‌شناساند و هم ابزاری برای تغییر جامعه است. بازی در این نمایش موجب افزایش دقت در ارتباط و کمک به درک مشترک خواهد شد. به‌طور کلی می‌توان چهار دسته کارکرد برای نمایش خلاق برشمرد:

۱. شناخت خود: در نمایش خلاق و تئاتر، فرد با خودش روبه‌رو می‌شود. خود را به دیگران و دیگران را به خود نشان می‌دهد. با آموزش مهارت‌های نمایش خلاق می‌توان به کودکان منزوی یا مطرود کمک کرد تا روابط اجتماعی بهتری با دیگران برقرار کنند. چرا که همدلی و نقش بازی کردن، به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان، از فرایندهای اصلی شناخت اجتماعی، کنش متقابل و ارتباط است. این فرایندها تأثیر عمیقی بر ادراک فرد از دیگران و نیز دوستی‌ها، موقعیت‌های اجتماعی، قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی دارد. دست‌اندرکاران نمایش خلاق روی راه‌حل‌های پذیرش تفاوت‌های فردی افراد گوناگون، مسائل فردی و گروهی، اعتماد، همدلی و ... با استفاده از همذات‌پنداری با شخصیت‌ها در داستان‌هایی با مضامین اجتماعی کار می‌کنند.

۲. آموزش مهارت بازیگری و تئاتر: تئاتر را با نمایش خلاق می‌آموزند. تمرین‌هایی از جمله بازی‌های نمایشی، بازی‌هایی برای صدا، بیان، حرکت، حس، تخیل، تمرکز، تعادل،

رشد شخصیت، تکمیل مهارت‌های فی‌البداهه‌ای مثل گوش دادن و واکنش به سایر بازیگران، بازی گروهی و نحوه گفتار مناسب و دقیق، همگی تمرین‌های نمایش خلاق هستند که در کلاس‌های بازیگری و تئاتر از آن‌ها استفاده می‌شود.

۳. آموزش سایر رشته‌ها و موضوعات درسی

۴. بهره‌گیری از فنون نمایش خلاق در پرفورمانس

یکی از اهداف نمایش خلاق تعلیم و تربیت، همراه با سرگرمی و مشارکت، است. نمایش خلاق می‌خواهد توانایی‌های بازیگری افراد را به خودشان نشان بدهد نه آنکه بازیگر پرورش دهد. بنابراین افراد نمایشگر با شناسایی توانایی‌هایشان برای حل مشکلات روی پای خود خواهند ایستاد. آن‌ها ابتدا مسائل را درک می‌کنند و سپس به حل آن می‌پردازند. درک مسائل شامل دیدن و شنیدن آن‌هاست که خود نیاز به آموزش و تعلیم دارد.

خلاقیت عبارت از توانایی حل مسئله است. هدف نمایش خلاق پرورش انسان‌هایی است که توانایی حل مسئله دارند. البته این حل مسئله در نمایش خلاق به شکل مشارکتی است که این مشارکت خود نیازمند زبانی کارا برای برقراری ارتباط و آگاهی اجتماعی است. کسانی آگاهی اجتماعی دارند که به مفهوم مثبتی از خود برسند که آن هم نیاز به تمرین دارد. در نمایش خلاق فرد تماشاگر خود می‌شود. حالا می‌تواند بفهمد که کجا ایستاده و چگونه می‌تواند زندگی خود را تغییر دهد.

در نمایش خلاق فرد باید حرف تمام دست‌اندرکاران را بشنود و گرنه نمی‌داند چه اتفاقی می‌افتد و لذا سر رشته را از دست می‌دهد. این امر دقت در ارتباط را تقویت می‌کند و منجر به همدلی می‌شود.

منابع نمایش خلاق می‌تواند

داستان‌هایی با شخصیت‌های پویا و محتوای مناسبی باشد که برای اجرایشان نیازی به رعایت قواعد نمایش نامه نیست. بنابراین می‌توان به داستان قهرمان و ضدقهرمان افزود تا اعضای خانواده نمایش زیاد شود. از منابع دیگری چون شعر، کتاب‌های کودکان، منابع درسی و حتی فیلم سینمایی و ... نیز می‌توان بهره برد.

در قسمتی از کتاب رهنمودهایی برای مربیان نوشته شده که حاوی نکات بسیار مفید و اساسی است، نه تنها در مورد کلاس نمایش خلاق بلکه برای تمامی دروس دیگر.

برخی از این رهنمودها عبارت است از:

■ هنرها باید مفرح باشد نه رقابتی، چرا که فرد در حال





هنر بازیگری مانند هنر موسیقی گاهی می تواند شخص بسیار آسیب دیده را به یکپارچگی مختصری برساند.

■ **خلاقیت:** اگر انسان با

استفاده از خلاقیت خود توانسته است نیروهای طبیعت را مسخر و رام گرداند، پس می تواند با همان خلاقیت نیروهای طبیعت خود را نیز به اختیار بگیرد و از خود جهانی دیگرگونه بسازد. به عقیده دیوید بوهم، خلاقیت هنر ادراک درونی ذهن است. بوهم نابسمانی بیرونی انسان را نتیجه نابسمانی درونی او می داند. خلاقیت را می توان توانایی درک مسئله و تواندیشی و حل آن دانست. گریز از حل مسئله

ما را به بیراهه های می کشاند که در آن تمرکز وجود ندارد و در نهایت منجر به اضطراب خواهد شد که ناشی از تضاد ذهنی است. اما روبه رو شدن با مسئله، با واکنشی فعال همان توانایی حل مسئله به کمک خلاقیت اندیشه است. هماهنگی، زیبایی و جامعیت که مترادف خلاقیت هستند، خطر کردن، نظم موجود را برآشتن و نظمی نو پدید آوردن می طلبد. **همواره باید چیزی را به هم ریخت و از مصالح آن و یا بر جای آن چیز دیگری ساخت.** اما کلید این خلاقیت چیست؟ کودکی و کودکانه بودن. نگاه کودکانه داشتن یعنی توجه خالصانه به کار و از ته دل کاری را انجام دادن. یعنی پویایی و حرکت، که به گفته بوهم انرژی سازمان دهنده از درون است. عنصر اساسی خلاقیت پیش بینی و آینده نگری است. وقتی مشتاقانه معتقدیم که آنچه می خواهیم به واقعیت خواهد پیوست، خود را وادار می کنیم که به آن واقعیت بخشیم. این نشانه فعالیت، جست و جو و حرکت به سوی آینده است. «رجعت به عقب در خدمت من» پدیده ای است که در آن فرد خلاق به حالت های فکری کودکی که مانع عقل قضاوت کننده و ایرادگیرنده می شود باز می گردد تا بتواند با سرعت بیشتری رو به آینده برود.

اثر هنری محصول تخیل خلاقانه است. محروم کردن کودک از تخیل خلاق، باعث فقدان قدرت تشخیص بین پندار و حقیقت می شود و در نتیجه برخی از آن ها در میدان زندگی به خیال پردازی پناه می برند که سرانجام خوبی ندارد. خلاقیت لذت بخش است، خلاقیت پاسخگویی به نیاز است و رضای هر نیازی لذت بخش است. خلاقیت انسان را از دغدغه ای که دارد رها می کند. آزادی از کشمکش همراه است با نوعی سبکی و تخیل و تعادل روانی، و تعادل روانی لذت بخش است. کار خلاقانه اغلب آن قدر انسان را درگیر می کند که گذشت

تفریح بهتر می آموزد. سعی کنید تمرین ها غیر رقابتی باشند. بیشتر بر عمل ها و تمرین هایی تأکید کنید که گفتار کمتری دارند.

■ قبل از سن

۱۱-۱۲ سالگی، بهتر است بچه ها برای عموم نمایش اجرا نکنند، بلکه کارهایشان را برای جمع خانواده و دوستان، که غیر رسمی هستند، به اجرا در آورند.

■ در نمایش خلاق

درست و غلطی وجود ندارد. بلکه ممکن است رفتاری نامناسب و غیر منضبط از بچه ها سر

بزند. رفتار تکراری و کهنه را از آن ها به عنوان خلاقیت نپذیرید. منصف و انعطاف پذیر باشید ولی در برقراری نظم تردید نکنید. در عین حال لذت کار را به آن ها بچشانید.

■ هرگز کودکی را وادار به مشارکت نکنید. فعالیت ها همگی داوطلبانه است. کودک باید بفهمد که محیط کلاس ایمن است. اگر کسی در لحظه شروع نیاز به کمک دارد دستش را بگیرید و راهش بیندازید.

■ مربی خواه خودش نقشی بازی کند یا نه به عنوان راهنما عمل می کند و با وجود اوست که نمایش خلاق به راه می افتد. پس شرکت کنید، بازی کنید، بخشی از تفریح باشید و خودتان الگو باشید!

در نمایش خلاق از لباس، دکور، صحنه آرای و ... استفاده نمی کنند. همه این ها در تخیل بازیگران و تماشاگران خلق می شوند. تنوع در اندیشه حاصل این نمایش است و این امتیازی برای آن است.

از کارهای ارزنده ای که در نمایش خلاق می توان کرد انتقاد است. آموزش نقد و بررسی صحیح از قابلیت های این نمایش است. بچه ها را می توان به شنیدن نقد و صداقت در بررسی و انتقاد عادت داد.

بزرگ سالان نیز از جنبه های مختلف با این نمایش سروکار دارند. نمایش خلاق برای کسانی که نمی توانند حرف بزنند شیوه های غیر گفتاری را برای ارتباط فراهم می کند. این شیوه ها حرکت چهره، نگاه، ادا و ... را برای ارتباط پرورش می دهند. آن ها یاد می گیرند که بدون کلام هم می توان به کشف احساسات خود درباره عمل ها و عکس العمل ها پرداخت. این فنون را برای درمان و بهبود گفتار هم با بازی های کلمه سازی، قصه سازی، شخصیت پردازی و بازی نقش می توان استفاده کرد.

زمان را احساس نمی‌کند. حل مسئله، کشف و شناخت همه همراه با لذت هستند.

روند خلاقیت را شامل دو مرحلهٔ پیاپی دانسته‌اند. مرحلهٔ اول قریحه و الهام است. افکار عاقلانهٔ فرد کنار می‌روند و من قضاوت‌کننده و منتقد او موقتاً بازنشسته می‌شود، چرا که این مرحلهٔ هجوم فکر و اندیشه است. بنابراین در کلاس تئاتر بزرگسالان، مربی از آن‌ها می‌خواهد به دوران کودکی بازگردند. چرا که کودک هنوز طبیعی است و کلیشه‌ها بر او مسلط نشده است و پروای این و آن ندارد.

مرحله دوم از روند خلاقیت کار و تهیه و تدارک است. من ناظر، در این مرحله پا در رکاب می‌گذارد. در کودک، من ناظر، ضعیف است. هنرمند خلاق با نوعی قابلیت حرکت بین «برگشت به عقب» و «پیشرفت» مشخص می‌شود. شیوه آموزش اهمیت تعیین‌کننده‌ای در خلاقیت فرد می‌گذارد. تجربه و مطالعه باعث جوشش افکار و اندیشه‌های تازه است. بنابراین در شکل‌گیری روندی پویا مؤثر است. عوامل مخل خلاقیت عبارت‌اند از روزمرگی و ابتذال، یکنواختی و تکرار، عدم اعتماد به نفس یا اعتماد به نفس افراطی، تحمل نکردن دورهٔ وقفه در خلاقیت و ... خلاقیت هنر ناممکن‌هاست یا در واقع آنچه که براساس الگوهای موجود ناممکن است. بنابراین به جز این‌ها شرایط ذهنی انسان نیز موجب اختلال در خلاقیت خواهد شد. چرا که ذهن باید در ابتدا از نگرش مکانیکی و الگوهای تثبیت‌شده و سلسله فریب‌دهنده منطق صفر و صدی رها شود تا مقولات مختلف را از هم متمایز کند.

عدم تمرکز و پریشانی مخل خلاقیت است. نمایش خلاق تمرین تمرکز، روبه‌رو شدن با تناقض‌ها و رفع آن‌هاست. خلاقیت با اضطراب و تنش محدود می‌شود. بخشی از نرمش‌های نمایش خلاق به‌طور خاص برای رهایی عضلات و رفع تنش در جسم و ذهن انجام می‌شود.

کارگاه نمایش خلاق: این بخش از کتاب پر از ایده‌های جذاب برای تمرین اعتماد به نفس، تفکر انتقادی، پانتومیم و هر چیز دیگری که فرد باید در نمایش خلاق آن را فرا بگیرد می‌باشد. انواعی از بازی‌هایی را که مربیان تجربه مثبتی از آن‌ها به‌دست آورده‌اند عنوان شده است. به نمونه‌ای از این بازی‌ها در اینجا اشاره می‌کنیم.

تمرین «نه نمی‌توانی مرا بگیرم!» پس از دسته‌بندی بچه‌ها در گروه‌های ۳ تا ۵ نفره آن‌ها را به موقعیت‌های مختلف مثل آشپزخانه، اتاق خواب، پذیرایی، گاراژ و ... می‌فرستیم و از آن‌ها می‌خواهیم یکی از وسایل آنجا را انتخاب کنند و آن شیئی بودن را به کمک پانتومیم تمرین کنند و به کاربرد آن وسیله فکر کنند. سپس همه گروه‌ها گرد هم بیایند و مربی به هر گروهی که می‌رسد باید فریاد بزند: آه! این وسیله بی‌مصرف رو ببین. باید آن را دور بریزیم. دانش‌آموز در آن موقع جواب می‌دهد: نه نباید مرا دور بیندازی. و مربی از او دلیل می‌خواهد. حال او باید یک تا چند دلیل را بسته به رده سنی‌اش بیان کند.

تمرین ■ نمایشگاه مجسمه ■ دانش‌آموزان گروه‌های دو نفره تشکیل می‌دهند که در آن به نوبت یک نفر گل مجسمه و دیگری مجسمه‌ساز می‌شود. سپس به گروه‌ها فرصت داده می‌شود تا آنچه به‌عنوان مجسمه ارائه خواهند داد را طراحی کنند. سپس مجسمه‌سازها به همراه مربی کلاس برای بازدید از مجسمه می‌روند و هر کس اثری که ساخته را به نوبت توصیف می‌کند. سپس نقش‌ها تعویض می‌شود.

تصور هدایت‌شده: در این تمرین حرکتی صورت نمی‌گیرد و دانش‌آموزان باید روی ۵ حس بویایی، چشایی، لامسه، بینایی و شنوایی تمرکز کنند. به این صورت که همگی جایی مناسب برای نشستن داشته باشند و در حالی که چشمانشان را بسته‌اند به توصیفی با جزئیات دقیقی که مربی به آن‌ها می‌گوید گوش فرا دهند و آن را حس کنند. نمونه‌هایی از متن‌هایی که برای این تمرین قابل استفاده است در کتاب آورده شده است. پس از اتمام داستان دانش‌آموزان کمی نرمش می‌کنند سپس همگی به نوبت در مورد سفری که در حین داستان داشتند و آنچه که هر یک از افراد در آن تجربه کردند صحبت می‌کنند. در واقع هیچ کدام از داستان‌هایی که توسط بچه‌ها بازگو می‌شود یکسان نیست چون نیروی خلاقانه‌ای در آن است که باعث به‌وجود آمدن‌شان شده است. این نکته مهم است که پنج حس مان در تخیل حتماً به کار گرفته شود.

بداهه‌سازی: به پرورش توانایی‌های انسان در موقعیت‌های پیش‌بینی نشده می‌گویند که در مقابل آن واکنش مناسبی داشته باشد. در بداهه‌سازی متن از پیش آماده شده وجود ندارد. یکی از اصول آن تضاد است. یعنی فرد در آن موقعیت با خلاقیت باید بتواند تضاد را برطرف کند. در این تمرین او مجبور است صحبت‌های طرف مقابل را به خوبی دنبال کند تا عکس‌العمل مناسب داشته باشد و این مهارت شنیداری او را قوی می‌کند.

قصه: هنگامی که انسان از آن ابدیتی که در آن همه زمان‌ها یک زمان است تبعید شد، به زمان کرونومتری پا گذاشت. وقتی زمان به دیروز و امروز و فردا، به ساعت و دقیقه و ثانیه تقسیم شد، انسان دیگر با زمان همراه نبود. انسان هر چه هست از موطن خود غریب افتاده است و در این ظرف محدود نمی‌گنجد. کودکان در احساس این دورافتادگی حساسیت بیشتری دارند. چرا که هنوز به این جهان خو نگرفته‌اند و ناخودآگاه با جسارتی که درونشان دارند به حفظ خویش نمی‌اندیشند. ما همه کودکی در درونمان داریم که روزبه‌روز بیشتر او را محاصره می‌کنیم. شعر و عشق و داستان و امثال آن با کودک درون ما ارتباط برقرار می‌کند. چرا که این‌ها درمان درد جاودانگی، مرهمی بر انزوای انسان و تسکین درد غربت او در جهانی سرشار از بیهودگی و سرگردانی هستند. از همین‌روست که همه آموزگاران بزرگ بشریت با قصه تعلیم داده‌اند. قصه‌گویی بیان شفاهی رو در رو زنده و ارائه جسمانی قصه به مخاطب است و شکلی از هنر نمایش تعاملی است چرا که شکل فطری و اساسی ارتباط انسانی است و کامل‌تر و اساسی‌تر از هر شکل دیگر



از ویژگی‌های قصه‌گو آن است که صدای او آکنده از عاطفه است و از اعیان وجودش ریشه می‌گیرد. او بدنش را کاملاً در اختیار کار می‌گذارد، پس حرکت یکنواخت و تکراری نمی‌کند. تصنع در کار او راه ندارد. قصه‌گو به خلاقیت و فی‌البداهگی نیاز مبرم دارد. او باید به مخاطب فرصت درک و تحلیل و لذت و واکنش دهد. این‌ها دستورالعملی ندارد. این شم بازیگری قصه‌گوست که در لحظه، تشخیص می‌دهد و عمل می‌کند. انتخاب قصه بخش بزرگی از کار اوست و ملاک این انتخاب باید بر پایه حقیقت باشد. اعتماد به نفس و تمرکز شرط قصه‌گویی است.

بازی

همه ماجرا در این آفرینش «بودن» و «شدن» است. همه هستند، اما همه نمی‌شوند. بازی از جمله ابزاری برای «شدن» است. شکوفایی توانمندی‌های موجودات نیازمند بازی است. بازی فعالیتی هدفمند است هر چند به ظاهر هدفی نداشته باشد. بازی پیش‌نیازی برای مهارت‌های مورد نیاز کودکان است. علاوه بر اهداف مادی بازی مانند تقویت مهارت جسمانی، توانایی حرف زدن، راه رفتن و ... اهدافی مربوط به معنا نیز در آن وجود دارد. بازی علاوه بر سرگرمی، روش طبیعی یادگیری است. چرا که از نظر جسمانی فرد را خسته می‌کند اما از طرفی مانند هر فعالیت هدفدار دیگری، او را سرشار می‌کند. انسان با بازی اضطراب خود را دور می‌کند. نیروهای سرکوب‌شده انسان که به شکل عقده درآیند به وسیله بازی رها می‌شوند. تنظیم روابط بین افراد جامعه نخستین بار با بازی صورت می‌گیرد. انسان در بازی حد و حق خود را در می‌یابد. انسان با بازی یاد می‌گیرد برای ایجاد رابطه اجتماعی خویشتن‌دار باشد. کودکانی که این ویژگی را دارند نسبت به سایرین مسئول‌تر و بالغ‌تر هستند.

بازی ابزاری است برای برقراری تماس کودک با محیطش و این همان نقشی است که کار در زندگی بزرگسال دارد. بازی برای کودک حکم هنر برای بزرگسال را دارد چرا که نمایش‌دهنده جلوه بیرونی زندگی عاطفی اوست. طبق نظریه بازی‌درمانی، بازی در هر سنی فرد را از فشارها و بحران‌های عاطفی می‌رهاند.

بازی نمایشی، راهی برای شناخت رغبت‌های کودک و تأثیرگذاری غیرمستقیم بر اوست. تمرینی برای تربیت طبیعی کودک است که از راه انجام کار است و نه دستور شنیدن. بازی خطر واقعیت را ندارد و قابل پیش‌بینی و مهار است. با این حال خاصیت تجربه واقعی را دارد. شخص در

موقعیت ساختگی قرار

می‌گیرد و دست

به عمل می‌زند. با

تمرین در موقعیت

آزمایشی می‌توان خطاها را در موقعیت

ارتباطی است. بنابراین بهترین روش ورود به دنیای کودکان است. قصه‌گوها نیاز به توانایی تئاتری و ذهنی دارند تا تمرکز مخاطب را به خود جلب کنند. لحن یکنواخت از معمول‌ترین خطاهای قصه‌گویی است. ارتباط چشمی و تناسب در حرکت بدن هنگام قصه‌گویی و مهارت‌های گفتاری در بیان قصه به جذابیت آن برای مخاطب خواهد افزود.

بچه‌ها از قصه الگو می‌گیرند. قصه به آن‌ها کمک می‌کند تا خود را بهتر بشناسند. درک رفتار و روابط انسانی به شکل عمیق‌تر، از اثرات قصه است. کتاب‌درمانی، حس همدردی را در فرد ارتقا می‌بخشد و توان مقابله با نگرش‌های منفی را در او تقویت می‌کند. بچه اغلب به ساده‌ترین شکل با شخصیتی مثل خودش همذات‌پنداری می‌کند و این همذات‌پنداری به اجتماعی شدن و سلامت ذهن کمک می‌کند.

کتاب‌ها می‌توانند وسیله مناسبی برای رهاسازی عواطف بچه‌ها باشند. با توجه به اینکه از نیمه دوم قرن بیستم تغییر محسوسی در داستان‌های کودکان رخ داد و از حالت احساساتی به موقعیت‌های واقع‌گرایانه‌تر گرایش یافت، بچه‌ها می‌توانند موقعیت داستان‌ها را به خاطر تجربه‌های خود خوب درک کنند و این در حالی مسائلی که با آن روبه‌رو می‌شوند کمک می‌کند.

از کارکردهای قصه‌گویی می‌توان به تقویت مهارت شنیداری، گفتاری و خواندن بچه‌ها اشاره کرد. قصه آن‌ها را به کتاب‌خوانی علاقه‌مند می‌کند و همچنین ارتباطی بین گوینده و مخاطب برقرار می‌کند که تلطیف‌کننده احساسات بشری است. بنابراین قصه‌گویی ابزاری برای توانمندسازی دانش‌آموز در کلاس درس است. به گفته پائولو سانتاگو ارزش بسیاری از قصه‌ها در تمرین برای یافتن راه حل مشکلات در حین حرکت است. اما برای قصه‌گویی در کلاس درس، نکاتی را باید رعایت کرد. از جمله اهمیت قائل شدن برای آن مثل سایر دروس، داوطلبانه بودن شرکت در قصه‌گویی، استفاده از فن بارش فکری و فرصت مشارکت مساوی بچه‌ها برای ایجاد جوی غیررقابتی. قصه‌گویی برخلاف ظاهرش تک‌گویی نیست که یک نفر بگوید و کسی بشنود. قصه‌گویی نمایشی تک‌نفره است که قصه‌گو نقش‌های گوناگون آن را بازی می‌کند و گفت‌وگویی را بین شخصیت‌های قصه و نیز بین آن‌ها و مخاطبان برقرار می‌سازد. از همین جاست که قصه‌گویی به نمایش و خلاقیت ویژه آن گره می‌خورد. در کارگاه، قصه کم‌کم توسط خود بچه‌ها شکل می‌گیرد.

آفرینش قصه می‌تواند به صورت‌های متنوعی باشد یکی از روش‌ها کامل کردن قصه ناتمام است و روش دیگر تغییر پایان قصه‌ای که قبلاً ساخته شده می‌تواند صورت گیرد. حتی می‌تواند تغییر در شخصیت و مکان و زمان قصه‌ای دیگر باشد. چه خوب است مربی از اشیا و نقاشی‌ها، شعر و نمایش برای کمک به خلق قصه استفاده کند. بنابراین از قصه خلاق به نمایش خلاق هم می‌توان رسید. سادگی و صراحت از اصول کار قصه خلاق است. هدف کار گاهای قصه خلاق تهیه مجموعه‌ای از قصه نیست. اصل این است که بچه بتواند به درستی ذهن خود را سازمان دهد و تصویر ذهنی خود را به روشنی بیان کند.





حقیقی به حداقل رساند. کودک در موقعیت‌های تازه اجتماعی شدن جدیدی را تجربه می‌کند. این برقراری ارتباط باعث همدلی با دیگران، سهیم کردن و نظر گرفتن از آن‌ها می‌شود.

تئاتر کودکان

تفاوت این تئاتر با نمایش خلاق در این است که متن از پیش نوشته شده را دارد. کارشناسان معتقدند که بهتر است تئاتر کودک با بازیگران بزرگسال برای کودکان اجرا شود و به کودک نقش داده نشود. بچه‌ها نباید بدون آموزش دقیق روی صحنه بروند. از آنجا که آموزش دقیق زمان می‌برد کودک خود به خود از اجرا حذف می‌شود. استانیسلاوسکی دربارهٔ بیماری وحشتناک خودبینی اظهار می‌دهد که شخص باید به خود هنر عشق ورزد، نه به خود در هنر. توانایی اصلی هر بازیگری صمیمی بودن است. اگر خودبینی در او رسوخ کند، صمیمی بودن را غیرممکن می‌سازد. اجرا کردن در کودکی ممکن است عادات ناپسندی را برای کودک از جمله خودبینی به وجود آورد که در بزرگسالی هم ادامه‌دار می‌باشد. بنابراین نوشتن نمایشنامه و اجرا تئاتر کودک وظیفه بزرگسالان است.

در دنیای کودکان سکون کمتر جایی دارد. حرکت جزء اساسی تئاتر کودک است. از ویژگی‌های پرفورمانس می‌توان در تئاتر کودک استفاده کرد. پرفورمانس غیرمرسوم، برانگیزاننده و غیر قراردادی است و با هم‌رنگی فرهنگی هنر ضدیت دارد. پرفورمانس زمینه‌چند رسانه‌ای دارد و علاوه بر بدن بازیگر، تصاویر تجسمی، شعر، قصه‌گویی، رقص و موسیقی را به خدمت می‌گیرد. تمام این‌ها قابلیت استفاده در تئاتر کودک را دارند.

ویژگی‌های تئاتر کودک

تئاتر کودک باید صادقانه باشد و به بهانه آنکه بچه‌ها به دلایلی نباید با واقعیت روبه‌رو شوند، دروغ نگوید. این تئاتر باید با بچه‌ها به عنوان انسان‌های فهمیده رفتار کند و احترام‌آمیز باشد. چرا که بچه‌ها بیشتر از بزرگسالان نیازمند اعتماد به نفس هستند. بنابراین نباید آن‌ها را دست کم گرفت. اینکه تئاتر کودک به لحاظ دستاورد هنری، فکری و ذوقی در بالاترین سطح خود باشد بسیار اهمیت دارد. بچه‌ها در فرایند شکل‌گیری و قضاوت و ذوق هنری هستند که با خود به بزرگسالی خواهند برد. بنابراین تئاتر کودک به بهانه داشتن پایانی خوش و پر رزق و برق بودن، نباید بودن چالش باشد.

تئاتر کودک باید بتواند با حرکت‌هایی تأثیرگذار و سریع که البته جدای از داستان هم نباشند، مخاطب را چنان جذب کار کنند که باور خسته‌کننده بودن



تئاتر در ذهنشان از دوران کودکی شکل نگیرد. انواع نمایش‌های عروسکی و سایه‌بازی جزء تئاتر کودکان به شمار می‌آیند. زمانی که عروسک در مقابل تماشاگر به اجرای نمایشی می‌پردازد، آفرینش نوعی زندگی را آغاز می‌کند. همه بچه‌های جهان خالق عروسک‌اند. آن‌ها باور دارند که عروسکشان جان دارد. کودک گاهی همان بلایی را که بزرگ‌ترها بر سر او می‌آورند، روی عروسک پیاده می‌کند و به این ترتیب عروسک بلاگردان او می‌شود. پس عروسک جزء مهمی از زندگی کودک است. عروسک را اولین نمونه ملموس هنر دانسته‌اند که می‌توان گفت اولین پاگشایی کودک به جهان هنر است. چهره عروسک که بی حرکت است شبیه چهره بی حالت بازیگر پانتومیم است. شادی و اندوه در والاترین نوع تراژدی و کمدی همواره در چهره‌های بی حالت بازیگران جلوه‌ای مضاعف داشته است. بنابراین نمایش عروسکی اجازه می‌دهد قوه تخیل تماشاگر سهیم عمده‌ای از کار را برعهده گیرد. از انواع نمایش‌های عروسکی می‌توان به نمایش‌های بندی، نخ، میله‌ای و دست‌کشی اشاره کرد. نمایش‌های عروسکی ایرانی را خیمه‌شب‌بازی می‌گویند. در ادبیات ایران از این نمایش برداشت‌های فلسفی و نمادین شده است. سایه‌بازی را هم نوعی نمایش عروسکی می‌توان دانست.

تئاتر نوجوانان

جایگاه انواع نمایش در نمودار زیر مشخص می‌شود. تئاتر رسمی → تئاتر مشارکتی → نمایش خلاق → نمایش طبیعی نمایش طبیعی را می‌توان همان بازی دانست که همگانی است. با ابالاتر رفتن سن کودکان به تئاتری رسمی می‌رسیم که به وسیله بچه‌ها و برای آن‌ها بازی می‌شود. این یکی از بهترین هنرها برای بچه‌های دبیرستانی است. اجرای خوب نیاز به تمرین زیاد دارد و تمرین زیاد تکرار است و چندان چیزی برای یادگیری در تکرار وجود ندارد. بنابراین مربی باید تعادلی برقرار کند که هم محصول نهایی خوب از آب درآید و هم به نفع دست‌اندرکاران باشد.

با استفاده از فنون نمایش خلاق می‌توان متن نمایش را نوشت و با همان تمرین‌ها آن را به مرحله اجرا درآورد. بخشی از وظایف بازیگران تحلیل متن نمایشنامه و تقسیم آن به بخش‌هایی است که بتوان روی آن کار کرد که به آن جزء کردن متن می‌گویند. در این مرحله بازیگران باید به شناخت درستی از نقشی که اجرا می‌کنند، یافتن علت این کار و به دست آوردن درک از موقعیت خود و سایر بازیگران در این نمایش برسند. انسان روی صحنه در خلأ کار نمی‌کند. بنابراین باید به کشف روابط بین اشخاص بپردازند. این کار در فرایند تمرین مفید مؤثر خواهد بود. پشت هر خط متن، زیرمتنی وجود دارد. بازیگر تا دلیل گفتن چیزی را کشف نکرده، حق ندارد آن را به زبان آورد. کار بازیگر شناخت نقش و تلاش برای انتقال گوهر آن به تماشاگر است. خیلی از بازیگران به اصطلاح در پوست نقش فرو می‌روند و آن را بازسازی می‌کنند. بسیاری هم نمایش نقش را روایت می‌کنند. از آنجایی که نه می‌توان کاملاً در جلد نقش فرو



و به اجرا نزدیک می‌شود. با این کار تمرکز و سایر توانایی‌های بازیگری را می‌توان تمرین کرد. پانتومیم و میم از جمله هنرهای نمایشی هستند که ارتباط در آن‌ها بدون کلام است. موضوع در پانتومیم ملموس و در میم انتزاعی است. در تمرین‌های بداهه‌سازی نمایش از آن‌ها استفاده می‌کنند. یکی از فنون پانتومیم، کلیک است که در آن اشیای وانمودی را برای تماشاگر واقعی و قابل دیدن جلوه می‌دهند.

بداهه‌سازی می‌تواند با کلام یا بی کلام، فردی یا اجتماعی باشد. تمرین‌های خلق موقعیت‌های گوناگون برای بداهه‌سازی به کار می‌روند. برای مثال تصور کنید گروه شما سوار بر قایقی است. هر کسی در آب چیزی می‌بیند. آنچه را که مشاهده می‌کنید به دیگران گزارش دهید.

طراحی صحنه از عناصر اجرایی نمایش است که به تأثیر اجرا کمک می‌کند. یکی از نخستین مشکلات خلق طراحی برای صحنه‌آرایی، توانایی تشخیص روابط بین مضمون نمایش‌نامه و تصویرهای خلق شده بر روی صحنه برای ارائه مضمون است. در تمرینی می‌توان از بچه‌ها خواست تحلیل خودشان را از اندیشه نمایش‌نامه به قطعاتی از هنرهای تجسمی انتقال دهند.

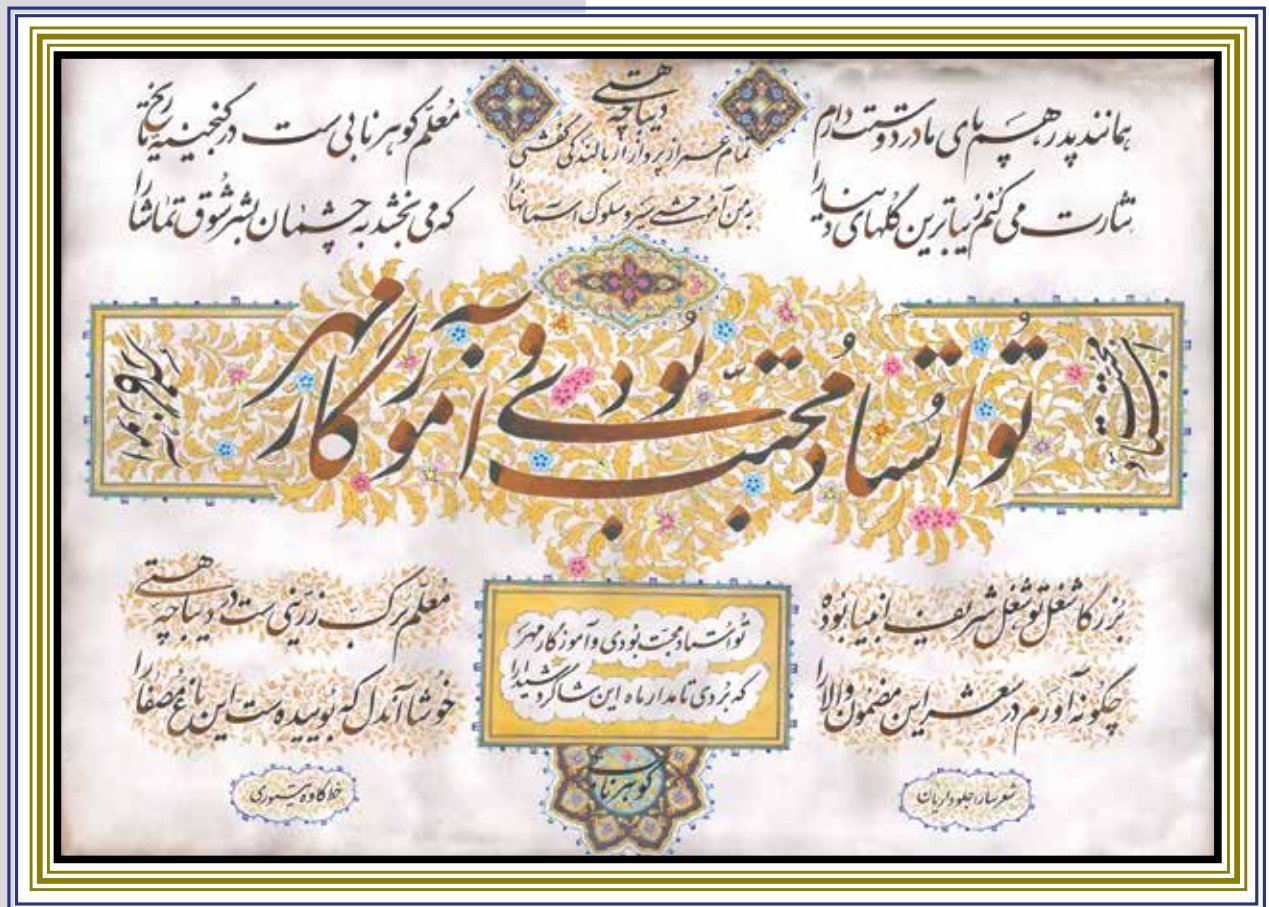
تئاتر جایگاه حقیقت و اندیشه‌های والای انسانیت و تمرین حق و آزادی و عدالت است. تئاتر آزمایشگاه کوچکی است که خیلی از بیماری‌ها را می‌توان در آن مطرح و مهار و مداوا کرد. بنابراین کارگاه تئاتر جای خلاقیت و تمرین آن است. اضطراب، تمسخر، بی‌تابی نشانه ضعف است و در آن راه ندارد.

منبع

نمایش خلاق اثر استاد یدالله عباسی، چاپ هفتم (۱۳۹۳).

رفت و نه می‌توان در همه لحظات بازی از آن جدا بود، در هر دو صورت باید آن را شناخت و با آگاهی ارائه داد. برای بازیگر گفته‌های شخصیت، بازگوکننده چیزهایی است که او به آن‌ها می‌اندیشد. همچنین نشان از سطح شعور یا تعلیم و تربیت، مقام او در جامعه و چگونگی احساس او دارد. برداشت‌های بازیگر از شخصیتی که بازی می‌کند، آن را واقعی و جذاب خواهد کرد. آنچه در متن نوشته نشده است.

بدن آگاهی، به ما امکان می‌دهد درباره حرکت و عادت‌های گفتاری که ناآگاهانه ممکن است داشته باشیم، بیاموزیم. بدن ابزار بازیگر است. باید آن را شناخت و طوری آن را آماده نگه داشت که هر حرکتی بدون هدر رفتن نیرویی، به راحتی انجام شود. بسیاری از انسان‌ها از نظر ذهنی و جسمی دارای تنش هستند و آن را پذیرفته‌اند و حس رهایی را به مرور فراموش کردند. تمرین‌هایی که موجب تمرکز، آرامش و صبر می‌شود بهتر است هر روز در برنامه گرم کردن فرد قرار گیرد. این تمرین در کتاب به‌طور مفصل توضیح داده شده است. دومین گام بازیگری بعد از رهایی، تمرکز است که هماهنگ کردن همه نیروها در راستای یک هدف می‌باشد. بازیگر باید به نحوه صحیح تنفس عمیق و عادی نیز توجه لازم را داشته باشد که در کتاب مراحل آن با جزئیات نوشته شده است. گرم کردن صدا آن را آماده برای صحبت کردن می‌کند. تارهای صوتی مانند عضلات دیگر بدن نیاز به گرم کردن دارند. تمرین‌هایی در جهت گرم کردن صدا در کتاب آورده شده. برای مثال تکرار کلمات پرچالش. شعر نیز ابزار خوبی برای تمرین بیان است. توجه به موسیقی حرف‌ها و واژه‌ها، تصویرها، صورت‌های خیال، وجوه مختلف غنایی، حماسی، روایتی و آرایه‌های مختلف و همچنین لایه‌های معنایی، شعر را جدا از وجه تمرینی دلپذیر می‌گرداند. اجرای تک‌گویی گام دیگری است که از تمرین بیان فراتر رفته



آموزگار مهر
بمناسبت بازگشایی مدارس
از مجموعه آموزگار مهر
۵۰ در ۷۰ سانتی متر

شعر سارا جلوداریان
تذهیب : عفت السادات موسوی بابلی کوهستانی



کلامِ دوم

انقلاب اسلامی

**THE SECOND PHASE OF
THE ISLAMIC REVOLUTION**